

اول عزرا

از مجموعه کتابهای آپوکریفا

گذری بر تاریخ مابین
عهد قدیم و عهد جدید

کاری از کانون راه حیات
مترجم: داود کاظمیان

معرفی

این اثر در مجموعه کتابهای آپوکریفا به عنوان کتاب اول عزرا معروف است، اما در نسخه لاتین ولگات به عنوان کتاب سوم عزرا شناخته می‌شود که به عنوان ضمیمه در انتهای کتاب عهد جدید قرار گرفته است. هر چند کتاب اول عزرا توسط کلیساهای ارتدکس در مجموع کتاب‌های قانونی ثانی قرار دارد؛ اما توسط کلیساهای کاتولیک آنقدر شناخته شده نیستند.

این اثر در نسخه یونانی بنام «اسدراس» معروف است که این واژه تلفظ یونانی نام عزرا می‌باشد؛ و توسط محققان جدید تحت عنوان عزرای یونانی نیز نامیده شده است.

این کتاب در مجموع شامل قسمتهایی از کتابهای عزرا، دوم تواریخ و نحμία به انضمام مطالبی درباره زروبابل است. نامه اول عزرا یکی از چندین کتابی است که نام عزرا را به خود اختصاص داده است.

اصل این کتاب به زبان یونانی موجود است که بیانگر ارزش و فرهنگ هلنیستی است. اگرچه آخرین وقایعی که از آن روایت می‌شود مربوط به اواسط قرن پنجم قبل از میلاد می‌شود، اما این وقایع در شکل اصلی کتاب تغییری بوجود نمی‌آورد.

کتاب اول عزرا به شرح مطالبی از کتاب دوم تواریخ فصل ۳۵ و ۳۶ و همچنین بخشهایی از کتاب عزرا و نحμία می‌پردازد. گرچه دارای ترتیب و جزئیات موجود در این کتابها نیست.

زمینه تاریخی

به غیر از یک استثناء قابل توجه، این اثر، با برخی تغییرات جزئی، بخش‌هایی از کتاب دوم تواریخ، عزرا و نحμία را تکرار می‌کند.

این کتاب با جشن عید پسح توسط یوشیا پادشاه در سال ۶۲۲ قبل از میلاد در اورشلیم آغاز می‌شود که مفاد آن برگرفته شده از کتاب دوم تواریخ فصل ۳۵ و ۳۶ است. و سپس به طور مستقیم با عزرا ۱: ۱۰ ادامه یافته و با نحμία فصل ۸ که به شرح وقایعی که ظاهراً در سال ۴۵۸ اتفاق افتاده است به پایان می‌رسد. تنها مطالب منحصر به فرد این کتاب داستان سه محافظ جوان در دربار داریوش پادشاه است.

گرچه این کتاب تا حد زیادی از کتابهای مقدماتی کتاب مقدس نسخه برداری

شده است، اما از طریق انتخاب و سازماندهی مطالب، دیدگاه متفاوتی از تاریخیچه بازگو شده ارائه می‌دهد. مسیری را بین دو جشن عید پسح ردیابی می‌کند و از این رو به نظر می‌رسد که نویسنده از گزارش کتاب عزرا و نحμία در مورد دشواری‌های بازگشت به سرزمین مادری و احیای پرستش و اجتماع قوم در معبد، خوش بین‌تر است.

در واقع کتاب با مراسم عید پسح در اورشلیم و در مقابل معبد شروع و با برگزاری عید پسح دیگری در همان مکان به پایان می‌رسد و نشان می‌دهد که معبد، که در سایر نوشته‌های پسا تاریخ بسیار مهم بوده، همچنان یکی از موضوعات اصلی کتاب اول عزرا است.

به طور خاص، داستان طولانی سه جوان دربار داریوش، این کتاب را بر دستاوردهای زروبابل متمرکز می‌کند. این داستان، زروبابل را به عنوان قهرمان خردمندی ترسیم می‌کند که از حمایت داریوش برخوردار می‌شود و ساخت معبد را آغاز می‌کند. عزرا کاهن نیز به جایگاه بالاتری می‌رسد که صریحاً یک کاهن اعظم خوانده می‌شود؛ و با عدم حضور نحμία در کتاب، از برجستگی بیشتری برخوردار می‌شود. این باعث نقش کلیدی او در احیای معبد در اوج کل داستان می‌شود.

شرح وقایع

عزرا در زمان بازگشت از تبعید، کاتب و کاهن مهمی برای قوم یهود بود. چنانچه عنوان این اثر نیز از نام او گرفته شده است.

عزرا در دوران عهد قدیم ظاهر می‌شود در زمانی که نحμία اجازه یافته بود تا به سرزمین خودش بازگردد تا معبد اورشلیم را باز سازی و شهر را نیز احیا کند. عزرا قبل از بازگشت به اورشلیم در تبعید بسر می‌برد و کوروش، پادشاه پارس به رهبران و سایر یهودیان این اجازه را داد که برای زندگی به اورشلیم بازگردند.

عزرا در این فرآیند از نقش مهمی برخوردار بود زیرا او عادت داشت تا به مردم اسرائیل در مورد سرنوشت آنها در ارتباط با خدا یادآوری کند. او هر روزه در مورد اهمیت زندگی پر از تقدس و پرستش خداوند، با قوم اسرائیل سخن می‌گفت؛ از آنجا که او می‌دانست آنها اجازه دارند تا به سرزمین خود باز گردند.

بسیاری از یهودیان احکام موسی را فراموش کرده بودند یا دیگر آنها را مهم

نمی‌دانستند. عزرا کمک کرد که این شرایط تغییر کند زیرا او از احکام شریعت موسی کاملاً مطلع بود.

نویسنده

نسخه عبری این کتاب موجود نیست، اما دو نسخه سبعینیه و ولگات موجود است. این کتاب در ترجمه سبعینیه دارای عنوان کتاب اول عزرا و دو کتاب عزرا و نحمیا، که در نسخه عبری وجود دارد در تحت یک کتاب با عنوان کتاب دوم عزرا آمده است.

در ترجمه ولگات دو کتاب عزرا و نحمیا به صورت مجزا و با عناوین کتاب اول و دوم عزرا آمده و این کتاب با عنوان کتاب سوم عزرا به صورت ضمیمه اضافه شده است. اما صرفاً کیش ارتدکس آنرا دارای اعتبار می‌داند. امروزه تنها نسخه یونانی این کتاب موجود است و مشخص نیست که آیا در اصل به زبان یونانی یا عبری نوشته شده است.

تاریخ نگارش آن حدوداً در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن اول پیش از میلاد بوده و احتمالاً توسط یک یهودی مصری به نگارش درآمده است. اما اکثر محققان کتاب مقدس بر این باورند که هیچ گونه اطلاعی از نویسنده آن در دسترس نیست.

سبک نگارش

در حالیکه کتاب اول عزرا شامل مطالب جالب تاریخی و فرهنگی مهمی برای یادگیری است، اما نمی‌توان آنرا در بین کتب عهد قدیم و جدید قرار داد.

این اثر از لحاظ نوع نگارش بیشتر از سایر کتابهای آپوکریفا به عهد قدیم نزدیک و مرتبط است. زیرا بخش‌هایی از تاریخ اسرائیل را در خود جای داده که از سال ۶۲۱ تا ۴۴۴ قبل از میلاد در کتاب دوم تواریخ و عزرا و نحمیا درج شده است.

تنها مطالب جدید «داستان سه نگهبان جوان» است، که یک حکایت عامیانه پارسی است که کمی متناسب با پیش زمینه‌های یهودی تغییر یافته است. روش مورد استفاده در تدوین کتاب اول عزرا نامشخص است، به ویژه به دلیل تناقضات و خطاهای تاریخی؛ حتی در چندین مورد، متون کتاب مقدس را نیز تغییر می‌دهد.

با توجه به تضاد تاریخی این کتاب، بسیاری از محققان بر این باورند که مؤلف این اثر بیشتر از آنکه به وقایع تاریخی یهود توجه داشته باشد به جایگزین نمودن عقاید اخلاقی و مذهبی در روند تاریخی علاقمند بوده است. از این نظر تاکید نویسنده بیشتر بر رعایت شریعت موسی، و مراسم معبد اورشلیم و قوانینی قرار دارد که ازدواج یهودیان با بیگانگان را ممنوع می‌کند. کتاب اول عزرا از یهودیان تبعیدی پس از بازگشت به اورشلیم در دوران سلطنت کوروش و نحوه بازسازی معبد، و جشنی که به افتخار بازگشت آنها گرفته می‌شود، و همچنین در مورد چگونگی مقابله آنها با دشمنان خود که می‌خواستند مانع از بازسازی معبد شوند و چگونه جدا شدن آنها از همسران بیگانه خود نیز سخن می‌گوید.

حتی اگر کتاب اول عزرا به عنوان متون مقدس پذیرفته شده باشد، بسیاری از محققان کتاب مقدس تصور نمی‌کنند که این اثر از کتابهای الهامی باشد. اطلاعات موجود در این کتاب با آموزه‌های کتاب مقدس مغایرت دارد. و زمان وقایع تاریخی آن مخدوش است. کتاب اول عزرا به عنوان متون استاندارد عبری در نظر گرفته نشده است؛ و از آنجا که این کتاب در تاریخ پس از شکل‌گیری عهد قدیم پیدا شد، از نظر یهودیان نیز به عنوان کتابهای الهامی مورد قبول قرار نگرفت.

این اثر از کتابهای قانونی ثانویه به شمار می‌آید که توسط کلیه مسیحیان ارتدکس پذیرفته شده است، اما توسط اکثر یهودیان، کاتولیک‌ها و بیشتر پروتستان‌ها به عنوان کتاب عهد قدیم رد شده است.

احیای پسخ توسط یوشیا

۱ یوشیا عید پسخ را در حضور خداوند و در اورشلیم جشن گرفت. او در چهاردهمین روز از اولین ماه،^۱ بره‌های عید پسخ را قربانی کرد،^۲ و کاهنان را که لباس رسمی پوشیده بودند، بر طبق تقسیمات معمول روزانه در جای خودشان در معبد خداوند قرار داد.^۳ او به لاویان که در معبد اسرائیل مشغول به خدمت بودند، گفت: که باید خود را برای خداوند تقدیس کرده و صندوق مقدس عهد خداوند را در خانه‌ای که سلیمان پادشاه، پسر داود ساخته بود، قرار دهند.^۴ و سپس گفت: 'زیرا دیگر نیازی به حمل آن بر روی شانه‌های خود ندارید. اکنون خداوند، خدای خود را عبادت کرده و به قوم خود اسرائیل خدمت کنید. همچنین خود را برای انجام وظیفه، مطابق با خانواده و قبایل خود و بر اساس دستورات پادشاه داود و عظمت پسرش سلیمان آماده کنید.^۵ از اینرو در معبد بر طبق گروه‌های موروثی کهانت و بر اساس اجداد لاویان در جایگاه خاص خود قرار گرفته، و در قبال قوم خود اسرائیل به خدمت مشغول شوید.^۶ گوسفندان عید پسخ را قربانی کرده و قربانیایی نیز برای قوم خود تهیه کنید و مراسم عید پسخ را مطابق قوانینی که خداوند به موسی داده است انجام دهید.'

۷ یوشیا سی هزار بره و بز جوان و سه هزار گوساله برای قربانی به مردم هدیه داد. این قربانیها همانطور که او وعده داده بود، از ملک پادشاه به مردم، کاهنان و لاویان داده شد.^۸ حلقیا، زکریا و یحییئیل، که از مسئولان اصلی معبد بودند، برای عید پسخ، دو هزار و ششصد گوسفند و سیصد گوساله به کاهنان دادند.^۹ همچنین یکنیا، شمعیبا و برادرش نتئییل، حبشیا، اوچئیل و یورام که از فرماندهان نظامی بودند، پنج هزار گوسفند و هفتصد گوساله را برای عید پسخ به لاویان دادند.

۱۰ این مطابق همان چیزی است که اتفاق افتاد. صبح زود، کاهنان و لاویان که نان فطیر را در دست داشتند؛^{۱۱} مطابق با خاندان و بر اساس تقسیم بندی اجدادی خود به ترتیب مناسب در پیشگاه مردم ایستادند تا همانطور که در کتاب موسی نوشته شده است، قربانیها را به خداوند تقدیم کنند.^{۱۲} آنها بر حسب قوانین این مراسم، بره‌های عید پسخ را بر آتش سوزاندند. سپس آنها

۱ - تعدادی از روزهای ماه نیشان در فروردین و الباقی آن در اردیبهشت قرار دارد.

را در ظرفها و پاتیل‌های مسی جوشانده و پختند، که بوی دلپذیر و خوشایندی از آن متصاعد می‌شد. ۱۳ و آنها را برای مصرف به نزد مردم حمل کردند. پس از آن، لاویان پسح را برای خودشان و همکاران کاهن خود، پسران هارون، آماده کردند، ۱۴ زیرا کاهنان تا آخر شب چربی‌ها را تهیه می‌کردند. ۱۵ سرایندگان معبد، پسران آساف، مطابق نظم و ترتیبی که داود به انجام رسانده بود، در جایگاه‌های تعیین شده خود قرار داشتند و همچنین آساف، زکریا و ادینوس که نماینده پادشاه بودند؛ ۱۶ نگاهیانی هر یک از دروازه‌ها را به عهده داشتند. هیچ کس نیازی به کوتاهی و تغییر وظایف روزانه خود نداشت، زیرا لاویان غذای عید پسح را برای آنها آماده می‌کردند.

۱۷ بنابراین هر آنچه که مربوط به قربانیهای خداوند بود، در آن روز انجام شد. ۱۸ مراسم پسح به خوبی برگزار شد و قربانی‌ها مطابق دستور یوشیا پادشاه در مذبح خداوند اهدا شد. ۱۹ و شهروندان اسرائیل که در آن زمان حضور داشتند، به مدت هفت روز عید پسح و مراسم نان فطیر را برگزار کردند. ۲۰ از زمان سموئیل نبی هیچ عید پسحی مانند آن در اسرائیل برگزار نشده بود. ۲۱ هیچ کدام از پادشاهان اسرائیل هرگز یک چنین پسحی را برگزار نکرده بودند که توسط یوشیا، کاهنان، لاویان و قوم یهودا و تمام ساکنان اسرائیل که در اورشلیم زندگی می‌کردند، جشن گرفته شد. ۲۲ در هجدهمین سال سلطنت یوشیا این عید پسح برگزار گردید.

پایان سلطنت یوشیا

۲۳ و اعمال یوشیا در نزد خداوند استوار بود، زیرا قلب او به خدا اختصاص داشت. ۲۴ در دوران باستان، وقایع سلطنت وی ثبت شده است، همچنین اعمال کسانی که مرتکب گناه و عملکرد شرورانه نسبت به خداوند و فراتر از هر قوم یا پادشاهی دیگری شده‌اند و اینکه چگونه آنها عمیقاً خداوند را اندوهگین و محزون کرده‌اند، نیز ثبت شده است؛ به گونه‌ای که کلام خداوند بر علیه اسرائیل نازل شد.

۲۵ بعد از این همه اقداماتی که یوشیا انجام داد، چنین اتفاق افتاد که فرعون، پادشاه مصر، برای جنگ در کرکمیش به کنار رود فرات رفت و یوشیا نیز برای جنگ با او عازم شد. ۲۶ و پادشاه مصر برای او پیامی فرستاد و گفت: 'ای پادشاه یهودا ما چه نزاعی با هم داریم، از من چه می‌خواهی؟ ۲۷ من از طرف خداوند خدا علیه شما فرستاده نشده‌ام. جنگ من در فرات است.'

اکنون خداوند با من است و مرا ترغیب می‌کند. بنابراین کنار بایستید و با خداوند مخالفت نکنید.

۲۸ با این حال، یوشیا به اربابه خود باز نگشت، بلکه تصمیم به جنگ گرفت؛ و به سخنان ارمیا نبی که از دهان خداوند صادر شده بود هیچ توجهی نکرد. ۲۹ او در دشت مجدون با او به نبرد برخاست و فرماندهان فرعون بر یوشیا پادشاه یورش آوردند. ۳۰ پادشاه به بندگان خود گفت: 'مرا از نبرد دور کنید، زیرا من به شدت مجروح شده‌ام.' و بلافاصله خدمتکارانش او را از جبهه نبرد بیرون آوردند. ۳۱ او سوار بر اربابه دوم خود شد؛ اما پس از بازگشت به اورشلیم درگذشت و در مقبره اجداد خود دفن شد.

۳۲ تمام سرزمین یهودا برای یوشیا عزادار شدند. ارمیا نبی نیز برای یوشیا مرثیه خواند؛ و در آن روز، مقامات کشوری به همراه زنان خود، برای او سوگواری کردند. و این امر به یک سنت تبدیل و مقرر شد که تمام قوم اسرائیل آن را همیشه رعایت کنند. ۳۳ تمامی این وقایع در کتاب تاریخ پادشاهان یهودا نوشته شده است. و هر یک از اقدامات یوشیا، شکوه و عظمت او و شناخت او از شریعت خداوند و کارهایی که قبلاً انجام داده بود، و تمام مواردی که اکنون گفته شد، در کتاب پادشاهان اسرائیل و یهودا ثبت شده است.

آخرین پادشاهان یهودا

۳۴ مردمان قوم، یهوآحاز پسر یوشیا را که بیست و سه سال داشت، جهت جانشینی پدرش یوشیا به پادشاهی منصوب کردند. ۳۵ او سه ماه در یهودا و اورشلیم سلطنت کرد. سپس پادشاه مصر او را از سلطنت در اورشلیم محروم کرد، ۳۶ و تقاضای خراجی معادل سه هزار و ششصد کیلو نقره و سی و شش کیلو طلا از قوم اسرائیل نمود. ۳۷ پادشاه مصر همچنین برادرش یهوایقیم را پادشاه یهودا و اورشلیم کرد. ۳۸ یهوایقیم تمام مقامات و بزرگان قوم را به زندان انداخت و برادرش زاریوس را دستگیر و او را از مصر باز گرداند.

۳۹ یهوایقیم بیست و پنج سال داشت که سلطنت خود را در یهودا و اورشلیم آغاز کرد؛ و هر آنچه را که در نظر خداوند ناپسند بود به انجام رساند. ۴۰ نبوکدنصر پادشاه بابل علیه او برخاست. او را به غل و زنجیر آهین کشیده و به بابل برد. ۴۱ نبوکدنصر همچنین مقداری از لوازم و ظروف مقدس خانه

خداوند را تصاحب کرده و به بابل برد و آنها را در معبد خود قرار داد. ۴۲ اما هر آنچه که در مورد یهوایقیم، و نجاسات و بی ایمانی وی گزارش شده در کتاب وقایع پادشاهان به ثبت رسیده است.

۴۳ پسرش یهوایکین به جای او بر تخت پادشاهی نشست. وقتی پادشاه شد، هجده سال بیشتر نداشت، ۴۴ و به مدت سه ماه و ده روز در اورشلیم سلطنت کرد. او هر آنچه را که در نظر خداوند ناپسند بود، به عمل آورد. ۴۵ یک سال بعد، نبوکدنصر او را به همراه لوازم مقدس معبد خداوند به بابل فرستاد. ۴۶ و صدقیا را پادشاه یهودا و اورشلیم کرد. صدقیا بیست و یک سال داشت و به مدت یازده سال سلطنت نمود.

سقوط اورشلیم

۴۷ او نیز هر آنچه را که در نظر خداوند ناپسند بود، به عمل آورد؛ و به سخنان ارمیا نبی که از دهان خداوند صادر شده بود هیچ توجهی نکرد. ۴۸ گرچه نبوکدنصر پادشاه، او را مجبور کرده بود تا به نام خداوند سوگند یاد کند، اما او سوگند خود را شکست و بر علیه نبوکدنصر عصیان کرد. او گردن خود را برافراشته و قلبش را سخت کرد و احکام خداوند، خدای اسرائیل را نقض کرد. ۴۹ حتی پیشوایان قوم و کاهنان چنان مرتکب توهین به مقدسات و اعمال مخالف شریعت شدند که بسیار فراتر از اعمال ناپاک همه اقوام بود و معبد خداوند را در اورشلیم آلوده کردند، معبدی که خداوند آنرا تقدیس کرده بود. ۵۰ خداوند خدای نیاکان آنها، انبیایی را فرستاد تا آنها را از راه خود باز گردانند، زیرا او میخواست که آنها و محل سکونت خود را نجات دهد. ۵۱ اما آنها رسولان او را مسخره کردند و هر گاه که خداوند توسط انبیای خود سخن می گفت، انبیای او را مورد تمسخر قرار می دادند. ۵۲ تا اینکه خداوند در غضب خود علیه قوم خود به دلیل اعمال ناشایست آنها، فرمان داد تا پادشاهان کلدانیان بر علیه آنها وارد عمل شوند. ۵۳ کلدانیان مردان جوان را با شمشیر در اطراف معبد مقدس کشتند و از مرد و زن جوان، و پیرمرد و کودکان نیز گذشت نکردند، زیرا خداوند همه قوم را به دست آنها داده بود. ۵۴ کلدانیان همه لوازم معبد مقدس خداوند از کوچک تا بزرگ و صندوق عهد خداوند و تمام ذخایر سلطنتی را با خود به بابل بردند. ۵۵ آنها خانه خداوند را آتش زدند، دیوارهای اورشلیم را خراب کرده، و برجهای آنرا به آتش کشیدند، ۵۶ و همه چیزهای با شکوه آنرا نابود کردند. و بازماندگان را

با شمشیر به بابل بردند. ۵۷ آنها خدمتگزار پادشاه بابل و پسران او شدند تا اینکه پارس‌ها شروع به سلطنت کردند، و در تحقق کلام خداوند که از دهان ارمیا گفته شده بود: ۵۸ 'تا زمین از سَبَّت‌های خود لذت ببرد زیرا تا اتمام این هفتاد سال ویرانی، آرامی خواهد یافت.'^۲

بازگشت تبعید شدگان به اورشلیم

۲ ۱ در اولین سال سلطنت کوروش به عنوان پادشاه پارس، خداوند برای تحقق کلامی که از طریق ارمیا گفته بود؛ ۲ روح کوروش پادشاه پارس را برانگیخت و او فرمانی را در سراسر پادشاهی خود به نگارش در آورده و صادر نمود.

۳ 'کوروش، پادشاه پارس چنین می‌گوید: خدای اسرائیل، خداوند متعال، مرا پادشاه جهان ساخت، ۴ و به من فرمان داده است که برای او در اورشلیم واقع در یهودا، خانه‌ای بسازم. ۵ اگر کسی از شما از قوم او هستید، خداوند خدای شما با شما باشد؛ به اورشلیم که در یهوداست بروید و خانه خداوند اسرائیل را بنا کنید. او خداوندی است که در اورشلیم ساکن است. ۶ هر کدام از شما، در هر کجا که زندگی می‌کنید، چنانچه برای بازگشت نیاز به کمک دارید؛ ۷ همسایگان شما باید با طلا و نقره و اسب و احشام و سایر هدایا به شما کمک کنند. علاوه بر آن، باید چیزهای دیگری را که برای معبد خداوند در اورشلیم نذر کرده‌اند، به آن اضافه کنند.'

۸ سپس سران خانواده‌های یهودا و بنیامین و همچنین کاهنان و لایوان و هر کس دیگری را که خداوند روحش را ترغیب کرده بود از جا برخاسته و رفتند تا خانه‌ای برای خداوند در اورشلیم بسازند. ۹ همسایگان آنها با هر آنچه که در توان داشتند از قبیل نقره و طلا، اسب و احشام و با تعداد بسیار زیادی از چیزهای دیگری که از صمیم قلب نذر کرده بودند به ایشان کمک کردند.

۱۰ کوروش پادشاه همچنین لوازم مقدس خانه خداوند را که نبوکدنصر با خود از اورشلیم آورده و در معبد بت‌های خود نگهداری می‌کرد، از آنجا خارج کرد. ۱۱ سپس کوروش پادشاه پارس این لوازم را به میترادیتس،

۲ - زیرا مردم اسرائیل هیچ وقت قانون سبت را رعایت نکرده بودند و مدت هفتاد سال طول می‌کشید تا کوتاهی آنها در این امر جبران شود.

خزانۀ دار خود داد. ۱۲ و توسط او به شیشبصر، فرماندار یهودا تحویل داده شد. ۱۳ تعداد آنها از این قرار بود: هزار جام طلا، هزار جام نقره، بیست و نه مجمر نقره، سی کاسه طلا، دو هزار و چهارصد و ده کاسه نقره و هزار قلم لوازم متفرقه دیگر. ۱۴ تمامی لوازم طلا و نقره در مجموع شامل پنج هزار و چهار صد و شصت و نه عدد می‌شد، ۱۵ که تحویل شیشبصر گردید و او این لوازم را با سایر تبعیدیان بابل به اورشلیم بردند.

مخالفت با بازسازی اورشلیم

۱۶ در زمان خشایار شاه، پادشاه پارس، بشلام، متردات، طنبیل، رحوم فرماندار، بلتموس، شمشائی کاتب و بقیه یارانشان که در سامره و و سایر مناطق نزدیک بودند، نامه زیر را برای پادشاه نوشتند که در مقابله با کسانی بود که در یهودا و اورشلیم زندگی می‌کردند.

۱۷ 'خدمت سرور ما، خشایار شاه؛ خدمتگزاران شما رحوم فرماندار و شمشائی کاتب و سایر اعضای شورای آنها، و داوران و مقامات در سراسر سامره و فنیقیه به اطلاع سرور خود پادشاه پارس می‌رسانیم. ۱۸ یهودیانی که از جانب شما به اینجا آمدند، به اورشلیم رفته و در حال بازسازی آن شهر سرکش و شرور هستند، دیوارها و بازار آنها ترمیم کرده و پایه‌های معبد را نیز بنا کرده‌اند. ۱۹ اکنون اگر این شهر ساخته شود و ترمیم دیوارهای آن به پایان برسد، نه تنها از ادای احترام خودداری می‌کنند بلکه حتی در برابر پادشاهان نیز مقاومت خواهند کرد. ۲۰ از آنجایی که بازسازی ساختمان معبد اکنون در حال انجام است، ما فکر می‌کنیم بهتر است از چنین موضوعی غافل نشوید؛ ۲۱ حال صلاح دیدیم که به سرورمان پادشاه اطلاع دهیم تا اگر به نظر شما خوب باشد، در صورت امکان در سوابق اجداد خود جستجو کنید. ۲۲ آنچه را که در مورد آنها نوشته شده است را در بایگانی تاریخ دربار خواهید یافت و خواهید دانست که این شهر شورشگر بوده، چنانچه هم پادشاهان و هم سایر شهرها را نگران می‌کرده است. ۲۳ و اینکه یهودیان شورشی بودند و از قدیم مرتباً موانع بزرگی را در اطراف شهر برپا می‌کردند. به همین دلیل این شهر از بین رفت. ۲۴ بنابراین، ما اینک به سرور و پادشاه خود توصیه می‌کنیم که اگر این شهر بازسازی شود و دیوارهای آن احداث شود، دیگر به قلمرو سامره و فنیقیه دسترسی نخواهید داشت.'

۲۵ سپس پادشاه در پاسخ به رحوم فرماندار، بلتموس، شمشائی کاتب و سایر افراد مرتبط با آنها که در سامره و فنیقیه زندگی می‌کردند، نامه‌ای به شرح زیر نوشت:

۲۶ نامه‌ای را که شما برای من ارسال کردید، خوانده‌ام. بنابراین دستور دادم که سوابق موجود در دربار را جستجو کنند، و معلوم شد که این شهر از قدیم با پادشاهان در جنگ بوده است، ۲۷ و ساکنان آن مرتباً دست به شورش زده و آغاز کننده جنگ بوده‌اند، و پادشاهان قدرتمند و بی رحمی در اورشلیم حکومت کرده و از کل سامره و فنیقیه باج و خراج می‌گرفتند. ۲۸ بنابراین، من اکنون دستوراتی را برای جلوگیری از بازسازی شهر توسط این افراد صادر نمودم و مراقب هستم که هیچ کار بیشتری صورت نگیرد. ۲۹ و اینگونه اقدامات شرورانه دیگر سبب ناراحتی پادشاهان نشود.

۳۰ سپس، هنگامی که نامه خشایار شاه خوانده شد، رحوم و شمشائی کاتب و نزدیکان آنها با سواره نظام و تعداد زیادی از نیروهای مسلح به سرعت به اورشلیم رفتند تا مانع کار سازندگان شهر شوند. و بازسازی ساختمان معبد در اورشلیم تا سال دوم سلطنت داریوش از پادشاهان پارس متوقف شد.

مناظره محافظان

۳ ۱ داریوش پادشاه برای همه افراد زیر دست خود ضیافت بزرگی ترتیب داد، همه کسانی که در خانه وی متولد شده بودند، و همه نجای ماد و پارس، ۲ و همه مقامات کشوری، فرماندهان لشکر و فرماندارانی که در تحت نظر او در صد و بیست و هفت استان حکومت می‌کردند؛ مناطقی که از هند تا اتیوپی را در بر می‌گرفت. ۳ آنها وقتی به اندازه کافی خوردند و نوشیدند، آنجا را ترک کردند. آنگاه داریوش پادشاه به اتاق خواب خود رفت. او به خواب رفت، اما خیلی زود از خواب بیدار شد.

۴ سپس سه جوان محافظ، که از شخص پادشاه محافظت می‌کردند، به یکدیگر گفتند: ۵ 'بگذار هر کدام از ما کلمه‌ای را بیان کنیم که فکر می‌کنیم از همه چیز در جهان قدرتمندتر است. و کسی که اظهارات وی عاقلانه‌تر به نظر برسد، از داریوش پادشاه هدایای گران قیمت و جوایز ارزنده‌ای به عنوان پاداش دریافت خواهد کرد. ۶ باید به او ردای ارغوانی پوشیده شود و از جام‌های زرین بنوشد و روی تخت طلا بخوابد و یک ارابه با ابزار و یراقی از طلا، یک دستار از پارچه‌های ریز بافت و یک گردنبند زرین

در اطراف گردن خود داشته باشد. ۷ و بخاطر خرد خود، در کنار داریوش بنشیند و دوست مورد اعتماد داریوش خوانده شود.

۸ سپس هرکدام نظر خود را نوشتند، و آنها را مهر کرده و زیر بالش داریوش پادشاه گذاشتند. ۹ و گفتند: 'وقتی پادشاه از خواب بیدار شود، خدمتکارانش نوشتار را به او می‌دهند. سپس پادشاه و سه مقام برجسته پارس تصمیم خواهند گرفت که چه کسی بهترین جواب را داده است؛ و برنده بر اساس آنچه که نوشته است انتخاب خواهد شد.' ۱۰ اولین نفر نوشت: 'شراب قوی‌ترین است'. ۱۱ دومین نفر نوشت: 'پادشاه قوی‌ترین است.' ۱۲ سومین نفر نوشت: 'زنان قوی‌ترین هستند، اما حقیقت بر همه چیز پیروز است.' ۱۳ وقتی پادشاه بیدار شد، خدمتکاران نوشتار را برداشته و به او دادند، و او آنرا خواند. ۱۴ سپس او به دنبال همه نجبای پارس و ماد، و فرمانداران و فرماندهان و والیان و بخشداران فرستاده و آنها را احضار کرد. ۱۵ پادشاه در اتاق شورا نشست و آن نوشتار در حضور آنها خوانده شد. ۱۶ او گفت، 'محافظان جوان را صدا کنید تا آنها اظهارات خود را توضیح دهند.' آنها احضار و وارد اتاق شورا شدند. ۱۷ به آنها گفتند: 'آنچه را که نوشتید، برای ما توضیح دهید.'

پرتری شراب

سپس اولین کسی که از قدرت شراب نوشته بود، شروع به سخن گفتن نمود: ۱۸ آقایان، شراب چگونه قوی‌ترین است؟ زیرا ذهن همه کسانی که آنرا می‌نوشند گمراه می‌شود. ۱۹ با ذهن پادشاه و یتیم، برده و آزاد، فقیر و ثروتمند، به یکسان عمل می‌کند. ۲۰ هر اندیشه را به شادی و خوشی تبدیل می‌کند و همه تمام غم و بدهی خود را فراموش می‌کنند. ۲۱ این باعث می‌شود تا همه در قلب خود احساس ثروتمند بودن کنند، پادشاهان و فرمانداران را فراموش کرده و همه صحبت از مبالغ بسیار زیاد می‌کنند. ۲۲ وقتی مردم شراب می‌نوشند، دوستی با دوستان و خویشان خود را فراموش می‌کنند و پس از مدتی، شمشیر خود را برای جنگ با آنها بیرون می‌کشند. ۲۳ و هنگامی که اثر شراب از ذهن آنها بیرون می‌رود، آنچه را که انجام داده‌اند به خاطر نمی‌آورند. ۲۴ آقایان، آیا شراب از قوی‌ترین چیزها نیست،

وقتی که مردم را وادار به انجام یک چنین کارهایی می‌کند؟ آنگاه پس از گفتن این موارد، از سخن گفتن دست کشید.

برتری پادشاه

۴ ۱ سپس نفر دوم، که از قدرت پادشاه سخن گفته بود، شروع به سخنرانی نمود: ۲ 'آقایان، آیا مردان قوی نیستند، چه کسی بر زمین و دریا و هر آنچه در آنهاست حاکم است؟ ۳ اما پادشاه قوی‌تر است. او سرور و ارباب آنهاست و هر آنچه به آنها بگوید از او پیروی می‌کنند. ۴ اگر به آنها بگوید که با یکدیگر جنگ کنند، آنها این کار را انجام می‌دهند. و اگر او آنها را علیه دشمن بفرستد، آنها رفته و کوه‌ها، حصارها و برجها را تسخیر می‌کنند. ۵ آنها می‌کشند و کشته می‌شوند و از فرمان پادشاه سرپیچی نمی‌کنند. اگر آنها در نبرد پیروز شوند، هر چه به غنیمت بگیرند و هر آن چیزی را که بدست آورند، همه را به پادشاه می‌دهند. ۶ به همین ترتیب کسانی که در سپاه خدمت نمی‌کنند یا وارد جنگ نمی‌شوند بلکه بر روی زمین زراعت می‌کنند. هر وقت کاشت و درو می‌کنند، مقداری را برای پادشاه می‌آورند؛ و یکدیگر را مجبور به پرداخت مالیات به پادشاه می‌کنند. ۷ و با این حال او تنها یک نفر است! اگر او به آنها بگوید که بکشند، آنها می‌کشند. اگر او به آنها بگوید کسی را آزاد کنند، آنها او را آزاد می‌کنند. ۸ اگر او به آنها بگوید که حمله کنند، آنها حمله می‌کنند. اگر به آنها بگوید نابود کنند، آنها نابود می‌کنند. اگر به آنها بگوید بسازند، آنها می‌سازند. ۹ اگر به آنها بگوید قطع کنند، آنها قطع می‌کنند. اگر به آنها بگوید که بکارند، آنها خواهند کاشت. ۱۰ همه مردم و تمام لشکریان او از وی پیروی می‌کنند. علاوه بر این، او فقط لم می‌دهد، می‌خورد، می‌نوشد و می‌خوابد، ۱۱ اما آنها مراقب او هستند و هیچ کس نمی‌تواند برای انجام امور خود به آنجا برود و نه کسی می‌تواند از او سرپیچی کند. ۱۲ آقایان، اگر بدین شکل باید از پادشاه اطاعت شود، پس چرا او قوی‌ترین نباشد؟' سپس سخنان خود را به اتمام رساند.

برتری زنان

۱۳ سپس سومین نفر که از زن و حقیقت سخن گفته بود و کسی نبود به غیر از زروبابل، شروع به سخنرانی کرد: ۱۴ 'آقایان، آیا پادشاه شخص بزرگی نیست، و آیا مردان به فراوانی نیستند و آیا شراب قوی نیست؟ پس چه کسی

است که آنها را حاکم می‌کند، یا بر آنها تسلط دارد؟ مگر زن نیست؟ ۱۵ این زنان هستند که پادشاه و هر شخص دیگری را که بر دریا و زمین حاکم است به دنیا آوردند. ۱۶ آنها از زنان بوجود آمدند. زنان همچنین مردانی را پرورش می‌دهند که تاکستان‌هایی را غرس کردند که از آنها شراب تولید می‌شود. ۱۷ زنان لباس مردان را می‌دوزند. آنها به مردان شکوه و جلال می‌دهند. مردان بدون زنان حتی قادر به زندگی هم نیستند. ۱۸ اگر مردان طلا و نقره یا هر چیز ارزشمند دیگری را بدست آورند، و سپس یک زن را با جمالی زیبا و دوست داشتنی مشاهده کنند؛ ۱۹ همه چیز را برای نگاه کردن به او به دست فراموشی سپرده، و با دهان باز به او خیره می‌شوند؛ همه او را به طلا یا نقره یا هر چیز زیبا و ارزشمند دیگری ترجیح می‌دهند. ۲۰ مرد، پدر خود را که او را پرورش داده، و حتی کشور خود را ترک می‌کند و به همسر خود می‌پیوندد. ۲۱ او روزهای خود را با همسرش می‌گذراند، بدون این که فکر پدر یا مادرش یا کشورش باشد. ۲۲ بنابراین باید بدانید که زنان بر شما حاکم هستند!

آیا کار نمی‌کنید و زحمت نمی‌کشید و سپس همه چیز را می‌آورید و به زنان می‌دهید؟ ۲۳ مرد شمشیر خود را برداشته و به سفر می‌رود، حمله و غارت می‌کند، دزدی می‌کند و با قایق از دریا و رودخانه‌ها عبور می‌کند. ۲۴ او با شیرها روبرو می‌شود و در تاریکی شب قدم بر می‌دارد و وقتی سرقت می‌کند، دزدی می‌کند، و غارت می‌کند، همه را به زنی که دوستش دارد باز می‌گرداند. ۲۵ مرد همسر خود را بیشتر از پدر یا مادرش دوست دارد. ۲۶ بسیاری از مردان، عقل خود را به خاطر زنان از دست داده‌اند و به خاطر آنها، اسیر و برده شده‌اند. ۲۷ بسیاری از آنها به خاطر زنان، از بین رفته، یا دستگیر شده و یا اینکه مرتکب گناه شده‌اند. ۲۸ و با این حال آیا باز هم حرفهای مرا باور نمی‌کنید؟

آیا پادشاه در قدرت خود بزرگ نیست؟ آیا همه کشورها از حضور او نمی‌ترسند؟ ۲۹ با این حال، من او را با آیامه، کنیز پادشاه، و دختر برجسته بارتاکوس دیدم؛ که در سمت راست پادشاه نشسته بود. ۳۰ او تاج را از سر پادشاه بر می‌داشت و آنرا روی سر خودش می‌گذاشت و با دست چپش به پادشاه سیلی می‌زد. ۳۱ در آن هنگام پادشاه با دهان باز به او خیره شده بود؛ و اگر او به پادشاه لبخند می‌زد، پادشاه هم می‌خندید. اما اگر از دست پادشاه عصبانی بود، پادشاه منت او را می‌کشید تا با وی آشتی کند. ۳۲ آقایان،

پس چرا زنان نباید قوی به حساب بیایند، وقتی یک چنین کارهایی انجام می‌دهند؟

برتری حقیقت

۳۳ سپس پادشاه و مقامات دربار به یکدیگر نگاه کردند. و او شروع به صحبت در مورد حقیقت کرد: ۳۴ 'آقایان، آیا زنان قوی نیستند؟ زمین پهناور است، و آسمان بسیار بلند است، و خورشید در مسیر خود با سرعت حرکت می‌کند، زیرا باید مدار آسمان را طی کرده و در یک روز به جای اول خود باز گردد. ۳۵ آیا کسی که این کارها را به انجام می‌رساند عالی نیست؟ اما حقیقت بهتر و از همه چیز قوی‌تر و برتر است. ۳۶ تمامی زمین حقیقت را فرا می‌خواند و آسمان آنرا ستایش می‌کند. و تمامی خلقت، در مقابل هیبت آن^۱ به لرزه می‌افتند، و در آن هیچ چیز نادرستی نیست. ۳۷ به شراب نمی‌توان اعتماد کرد، شما نمی‌توانید به پادشاه اعتماد کنید. شما نمی‌توانید به زنان اعتماد کنید. هیچ انسانی قابل اعتماد نیست. هر کاری انجام می‌دهند اشتباه است. هیچ حقیقتی در آنها وجود ندارد. آنها در دروغ خود هلاک می‌شوند. ۳۸ اما حقیقت دوام دارد و تا ابد نیرومند و معتبر است و برای همیشه زنده مانده و پیروز می‌شود. ۳۹ در آن هیچ گونه جناح بندی یا ترجیح وجود ندارد، بلکه به جای هر چیز ناحق و اشتباه، هر آنچه را که درست است انجام می‌دهد؛ و هر کسی اعمال حقیقت را تأیید می‌کند. ۴۰ هیچ چیز ناعادلانه‌ای در داوری او وجود ندارد. حقیقت دارای اقتدار، سلطنت، قدرت و عظمت در همه عصرها و در تمامی دوران است. و چه متبارک است خدای حقیقت! ۴۱ هنگامی که او سخنرانی خود را متوقف کرد، همه حاضرین فریاد زدند و گفتند: 'حقیقت از همه برتر و از همه قوی‌تر است!'

پاداش زروبابل

۴۲ سپس پادشاه به او گفت: 'هر آنچه که می‌خواهی، حتی فراتر از آنچه که نوشته شده است، تقاضا کن و ما آنرا به تو خواهیم داد؛ زیرا معلوم شد که تو خردمندتر از دیگران هستی. تو در کنار من خواهی نشست و از خوششان مورد اعتماد من محسوب خواهی شد.' ۴۳ سپس زروبابل به پادشاه

۱ برخی از نسخه‌ها بجای 'هیبت آن' از واژه 'اعمال خداوند' استفاده کرده‌اند.

گفت: 'عهدی را که در روز پادشاهی خود در مورد بازسازی اورشلیم بستید، به خاطر بیاورید. ۴۴ و همه لوازمی را که از اورشلیم آورده شده است به آنجا باز گردانید، چنانچه هنگامی که کورش شروع به ویران کردن بابل نمود، آنها را جدا نموده و عهد کرد که آنها را به معبد خداوند در اورشلیم باز گرداند. ۴۵ شما همچنین عهد کردید که معبد اورشلیم را بنا کنید، که ادومیان آنرا در هنگام ویران کردن یهودا توسط کلدانیان به آتش کشیدند. ۴۶ و اکنون، ای سرورم پادشاه، این همان چیزی است که از شما می‌خواهم و درخواست آنرا می‌کنم، و این خواست من به بزرگی عظمت شماست. از اینرو دعا می‌کنم عهدی را که با دهان خود با پادشاه آسمانها بستید، به تحقق برسانید.'

۴۷ سپس داریوش پادشاه از جای خود برخاست و او را بوسید و نامه‌هایی را برای همه خزانه داران، فرمانداران، فرماندهان نظامی و والیان نوشت، تا از او و همه کسانی که با او برای ساخت اورشلیم می‌روند، به خوبی مراقبت کنند. ۴۸ همچنین پادشاه به همه حاکمان سامره و فنیقیه، و آنهایی که در لبنان بودند نامه نوشت تا چوب سرو لبنان به اورشلیم بیاورند و به او در ساختن شهر کمک کنند. ۴۹ او از طرف همه یهودیانی که از قلمرو پادشاهی او به یهودا می‌رفتند، نامه‌ای نوشت که آزادی آنها را تضمین می‌کرد و هیچ افسر یا والی یا فرمانداری یا خزانه داری نباید به زور در امور آنها دخالت کند. ۵۰ او نوشت تمام مکانهایی را که یهودیان به اشغال خود در می‌آورند می‌توانند بدون مالیات در آن زندگی کنند، و ادومیان که روستاهای یهودا را تصرف کرده بودند، باید آنها را رها کرده و می‌رفتند. ۵۱ وی نوشت که سالانه ۷۲۰ کیلو نقره باید برای ساخت معبد داده شود تا اینکه به طور کامل بازسازی شود. ۵۲ علاوه بر این، باید ۳۶۰ کیلو نقره در سال برای هدایای سوختی که روزانه بر روی مذبح اهدا می‌گردد، در نظر گرفته شود، زیرا مطابق با احکام یهودیان، روزانه هفده قربانی باید اهدا می‌شد. ۵۳ او همچنین نوشت که کسانی که از بابل به قصد بازسازی شهر عزیمت می‌کنند، باید آزادی خود را داشته باشند، هم آنها و هم فرزندان شان و هم کاهنانی که همراه آنها عزیمت کرده‌اند. ۵۴ او همچنین در مورد هزینه‌ها و لباس مقدس کاهنانی نوشت که قرار بود در آنجا خدمت کنند. ۵۵ او نوشت که هزینه‌های لایوان باید تا زمان تکمیل معبد و بازسازی اورشلیم تأمین شود. ۵۶ او نوشت باید برای همه کسانی که از شهر محافظت می‌کنند، زمین و دستمزد تعیین شود.

۵۷ او تمام تجهیزات و لوازم مقدسی را که کورش جدا کرده بود از بابل به اورشلیم فرستاد. و هر آنچه که کوروش دستور انجام آنرا داده بود، داریوش نیز دستور انجام آنها را داد.

نیایش زروبابل

۵۸ هنگامی که زروبابل جوان بیرون رفت، صورت خود را به سمت آسمان و به سمت اورشلیم بالا برد و پادشاه آسمانها را ستود؛ او گفت: ۵۹ 'پیروزی از جانب توست. حکمت از آن تو و جلال نیز متعلق به توست. من بنده و خادم تو هستم ۶۰ متبارک باد کسی که به من حکمت بخشید. من از تو سپاسگزارم، ای خداوند خدای ما و نیاکان ما.'

۶۱ پس نامه‌ها را گرفت و به بابل رفت و این واقعه را به همه قوم خود اطلاع داد. ۶۲ و آنها خدای اجداد خود را ستایش کردند، زیرا او به آنها رهایی و اجازه داده بود، ۶۳ تا بروند و اورشلیم و معبدی را که به نام او خوانده می‌شد، بازسازی کنند. و آنها نیز به مدت هفت روز با موزیک و شادی جشن گرفتند.

بازگشتگان از تبعید

۵ ۱ پس از آن سران خاندان اجدادی، مطابق قبیله‌های خود، با همسران و پسران و دخترانشان، خدمتکاران زن و مرد و دامهایشان انتخاب شدند تا به اورشلیم باز گردند. ۲ و داریوش هزار سواره نظام خود را فرستاد تا با صدای طبل و شیپور، آنها را با خیال راحت و با امنیت کامل به اورشلیم برگردانند. ۳ همه اقوام یهودی جشن گرفته و شادمان بودند. داریوش به سپاهیان دستور داد تا با آنها همراهی کنند.

۴ اینها فهرست اسامی افراد مسئول گروههایی است که طبق خاندان اجدادی خود و بر اساس قبیله‌ای که متعلق به آن بودند به سرزمین خود بازگشتند: ۵ کاهنان؛ از نسل فینحاس پسر هارون. یشوع پسر یوصادق فرزند سرايا و یوآکیم پسر زروبابل پسر شألئتیل، از خاندان داود، از نسل فارص، از قبیله یهودا، ۶ که در سال دوم سلطنت داریوش پادشاه پارس، در حضور وی و در ماه نیرسان^۱ که اولین ماه سال بود به شکلی حکیمانه سخنانی نمود.

۱ - تعدادی از روزهای ماه نیرسان در فروردین و الباقی آن در اردیبهشت قرار دارد.

۷ اینها یهودیانی هستند که نبوکدنصر پادشاه بابل آنها را با خود به اسارت برده بود؛ ۸ و اینک از محل اقامت خود در تبعید به اورشلیم و یهودا بازگشته و هر کدام به شهر خود رفتند. آنها با رهبران خود زروبابل، یشوع، نحمیا، سرایا، رسایا، اننیوس، مردخای، بلساروس، اسفاروس، رعیلایا، رحوم، و بعه همراه شدند. ۹ تعداد نفرات هر خاندان و رهبران آنها به شرح زیر است:

خاندان فرعُوش، دو هزار و صد و هفتاد و دو؛ ۱۰ خاندان شَفَطْیَا، چهارصد و هفتاد و دو نفر؛ خاندان اَرَح، هفتصد و پنجاه و شش نفر؛ ۱۱ خاندان فَحَت مُوآب از نسل یشوع و یوآب، دو هزار و هشتصد و دوازده نفر؛ ۱۲ خاندان عیلام، هزار و دویست و پنجاه و چهار نفر؛ خاندان رَتُو، نهصد و چهل و پنج نفر؛ خاندان چوربی، هفتصد و پنج نفر؛ خاندان بانی، ششصد و چهل و هشت نفر؛ ۱۳ خاندان بابای، ششصد و بیست و سه نفر؛ خاندان اَرَجَد، هزار و سیصد و بیست و دو نفر؛ ۱۴ خاندان اَدُونِیقام، ششصد و شصت و هفت نفر؛ خاندان بَعُوای، دو هزار و شصت و شش نفر؛ خاندان عادین، چهارصد و پنجاه و چهار نفر؛ ۱۵ خاندان اَطیر از نسل یحزقیایا، نود و دو نفر؛ خاندان کیلان و عزتاس، شصت و هفت نفر؛ خاندان عازارو، چهارصد و سی و دو نفر؛ ۱۶ خاندان آنیاس، صد و یک نفر؛ خاندان عارام و خاندان بزای، سیصد و بیست و سه نفر؛ خاندان ارسیفوریث، صد و دوازده نفر؛ ۱۷ خاندان بیتروس، سه هزار و پنج نفر؛ خاندان بیتلومون، صد و بیست و سه نفر.

۱۸ همچنین افرادی که نیاکان آنها در شهرهای زیر زندگی می‌کردند، تصمیم به بازگشت گرفتند. از نطوفه، پنجاه و پنج نفر؛ از عناتوت، صد و پنجاه و هشت نفر؛ از عزموت، چهل و دو نفر؛ ۱۹ از قریه عاریم، بیست و پنج نفر؛ از کَفیره و بَیئُروت، هفت صد و چهل و سه نفر؛ ۲۰ چادیاسان و عمیدیان، چهار صد و بیست و دو نفر؛ از رامه و جَبَع، ششصد و بیست و یک نفر؛ ۲۱ از مکماس، صد و بیست و دو نفر؛ از بیت ثیل، پنجاه و دو نفر؛ از خاندان مَغیش، صد و پنجاه و شش نفر؛ ۲۲ از خاندانهای دیگر لُود و حایید و اَرُئو، هفتصد و بیست و پنج نفر؛ خاندان اَریحا، سیصد و چهل و پنج نفر؛ ۲۳ خاندان سَنائِه، سه هزار و سیصد و سی نفر.

۲۴ کاهنانی که از تبعید باز گشتند: خاندان یدعیا پسر یشوع از نسل عاناصیب، نهصد و هفتاد و دو نفر؛ خاندان امیر، هزار و پنجاه و دو نفر؛ ۲۵ خاندان فَشُحور، هزار و دویست و چهل و هفت نفر؛ خاندان حاریم، هزار و هفده

نفر.

۲۶ فهرست لاویان: از خاندان یشوع، قدمیئیل، باناس، و سودیاس هفتاد و چهار نفر. ۲۷ سرایندگان معبد: از خاندان آساف، صد و بیست و هشت نفر. ۲۸ نگهبانان دروازه شهر: خاندان شلام، اطیر، ظلمون، عقوب، حطیطا، و شوبای در مجموع صد و سی و نه نفر بودند.

۲۹ افرادی که در معبد خداوند خدمت می‌کردند: خاندان حَسُوفا، خاندان طَبَّاعُوت، خاندان قیروس، خاندان سیعها، خاندان فائوم، خاندان لَبانَه، و خاندان حَجابَه؛ ۳۰ خاندان عَقُوب؛ خاندان عوتای؛ خاندان کَتَب؛ خاندان شیبای؛ خاندان حَجابَه؛ خاندان حنا؛ خاندان کاتوا؛ خاندان گدور؛ ۳۱ خاندان جیروس؛ خاندان رَصین؛ خاندان نَعُودا؛ خاندان چزیب؛ خاندان جَرَّام؛ خاندان عَزَّه؛ خاندان فاسیح؛ خاندان حاسره؛ خاندان بیسای؛ خاندان اَسَنَه؛ خاندان مَعُونی؛ خاندان نَفُوسیم؛ خاندان عاکوف؛ خاندان حَقُوفا؛ خاندان حَزْخُور؛ خاندان فراکیم؛ خاندان بصلوت؛ ۳۲ خاندان محیدا؛ خاندان کوچا؛ خاندان حَزْشا؛ خاندان بَرَفُوس؛ خاندان سیرا؛ خاندان تَامَح؛ خاندان نَصیح؛ خاندان حَطیفا.

۳۳ خادمان خاندان سلیمان: خاندان هَصُوفَرَت؛ خاندان قَرُودا؛ خاندان یَغْلَه؛ خاندان دَرَقون؛ خاندان جَدِیئیل؛ خاندان شَفَطُیا؛ ۳۴ خاندان حَطَّیل؛ خاندان فُوحَرَه ظبائیم؛ خاندان ساروتی؛ خاندان مسیا؛ خاندان گاس؛ خاندان عدیس؛ خاندان شوباس؛ خاندان عافرا؛ خاندان بارودیس؛ خاندان شافاط؛ خاندان اِلُون. ۳۵ تعداد خادمین معبد و خادمین خاندان سلیمان سیصد و هفتاد و دو نفر بودند. ۳۶ فهرست زیر شامل افرادی است که از شهرهای زیر تصمیم به بازگشت گرفتند؛ از تَل مَلُح و تَل حَزْشا در تحت رهبری آدان و کَرُوب و اِمیر؛ ۳۷ اما این افراد که ششصد و پنجاه و دو نفر و از خاندان دَلایا از نسل طوبیا و از خاندان نَعُودا بودند نتوانستند ثابت کنند که از نسل خاندان خود یا اینکه از اصل و نسب اسرائیل هستند.

۳۸ همچنین از کاهنان، نام افراد زیر در نسب نامه کاهنان پیدا نشد از اینرو از کهنانت محروم شدند: خاندان حَبایا؛ خاندان هَقُوص؛ خاندان جادوس که با آگیا یکی از دختران بَرزِلای از دواج کرد و به همین نام نیز خوانده شد. ۳۹ وقتی جست و جو در ثبت نسب نامه‌ها انجام شد و خاندان این افراد پیدا نشدند، آنها از خدمت در کهنانت منع شدند. ۴۰ و نحمیا و آتاریاس به آنها گفتند که در امور مقدس شرکت نکنند تا وقتی که کاهن اعظمی که دارای

آوریم و تثمیم است و می‌تواند حقیقت را روشن کند حاضر شود. ۴۱ تمام اسرائیلیها، که سن آنها بیشتر از دوازده سال بود به غیر از زنان و مردان خدمتکار، چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر می‌شدند. ۴۲ خدمتکاران زن و مردشان هفت هزار و سیصد و سی و هفت نفر بودند. دویست و چهل و پنج نفر نوازنده و سراینده نیز آنها را همراهی می‌کردند. ۴۳ همچنین چهارصد و سی و پنج شتر، و هفت هزار و سی و شش اسب، دویست و چهل و پنج قاطر و پنج هزار و پانصد و بیست و پنج الاغ وجود داشت.

۴۴ برخی از سران خانواده‌ها، هنگامی که به معبد خدا که در اورشلیم است، وارد شدند، عهد کردند که تا حد توان، معبد را در محل خود آن بنا کنند، ۴۵ و برای انجام این کار پانصد کیلو طلا، و دو هزار و پانصد کیلو نقره و صد دست لباس کهانت به خزانه دار معبد مقدس تحویل دادند. ۴۶ کاهنان، لایوان و بعضی از مردم در اورشلیم و مناطق اطراف آن ساکن شدند. و سرایندگان معبد، نگهبانان دروازه و بقیه مردم اسرائیل نیز در شهرهای خودشان مستقر شدند.

آغاز دوباره مراسم پرستشی

۴۷ هنگامی که ماه هفتم فرا رسید، و قوم اسرائیل همه در خانه‌های خود مستقر شده بودند، آنها با یک هدف مشترک در میدان مقابل اولین دروازه سمت شرق جمع شدند. ۴۸ سپس یثوع پسر یوصاداق به همراه کاهنان و زروبابل پسر شألتنییل به همراه گروه خود در مواضع از قبل تعیین شده قرار گرفتند و مذبج خدای اسرائیل را آماده بهره‌برداری کردند. ۴۹ تا طبق دستورات شریعت موسی مرد خدا، قربانی‌های سوختنی بر روی آن قرار دهند. ۵۰ و عده‌ای از مردم سایر اقوام نیز به آنها پیوستند. آنها مذبج را در جای خود بنا کردند، با اینکه رفتار اکثر همسایگان ایشان با آنها خصمانه و نسبت به آنها نیز قوی‌تر بودند؛ باز هم در زمانهای مناسب قربانی کرده و صبح و عصر قربانیهای سوختنی به خداوند تقدیم می‌کردند. ۵۱ آنها عید خیمه‌ها را همانگونه که در احکام شریعت دستور داده شده بود جشن گرفته و هر روز قربانی‌های مناسب را تقدیم می‌کردند، ۵۲ و پس از آن نیز قربانی‌های معمول روزانه و قربانی‌های روز سبت و حلال ماه نو و همه اعیاد ویژه و تقدیس شده تقدیم می‌گردید.

۵۳ و همه کسانی که با خدا عهد کرده بودند، با وجود اینکه معبد خدا هنوز ساخته نشده بود؛ از آغاز ماه نو در ماه هفتم، شروع به تقدیم قربانی‌های نذری خود به خدا کردند. ۵۴ آنها به سنگ تراشها و نجارها پول و مواد غذایی و آشامیدنی دادند؛ ۵۵ و همچنین بر اساس حکمی که آنها از کوروش پادشاه پارس بصورت کتبی داشتند، هدایایی نیز به صور و صیدون فرستادند تا چوب درخت سرو را از لبنان بیاورند و آنها را با قایق به بندر یافا منتقل کنند.

تاخیر در بنای معبد

۵۶ در دومین سال پس از آمدن آنها به معبد خدا در اورشلیم، در ماه دوم، زروبابل پسر شألتنیل و یشوع پسر یوصاداق، به همراه یاران خود و کاهنان لاوی و تمام کسانی که از تبعید به اورشلیم بازگشته بودند ساخت معبد را آغاز کردند. ۵۷ و آنها در آغاز ماه دوم در دومین سال آمدن به یهودا و اورشلیم، زیربنای معبد خدا را احداث کردند. ۵۸ و لاویانی را که بیست سال یا بیشتر از آن سن داشتند منصوب کردند تا نظارت بر انجام کار معبد خداوند را برعهده بگیرند. و یشوع، پسرانش و خاندان او و برادرش قدمیئل و پسران یشوع عمادابون؛ و پسران هُودوئا؛ پسر الیادون با پسران و اقوام خود؛ و همه لاویان، با یک هدف مشترک جهت ساخت خانه خدا قدم به پیش گذاشتند.

بنابراین سازندگان، معبد خداوند را ساختند. ۵۹ و کاهنان در لباسهای خود، با سازهای موسیقی و کرناها، و لاویان، پسران آساف با سنج‌ها در جای خود ایستادند، ۶۰ و مطابق دستورات داود، پادشاه اسرائیل، شروع به پرستش خداوند کرده و او را متبارک خواندند. ۶۱ آنها سرودهایی خواندند و خداوند را سپاس گفتند، 'زیرا نیکی و جلال او تا ابد بر تمام اسرائیل است.' ۶۲ و تمام مردم کرنا نواخته و با صدای بلند فریاد سر داده و خداوند را برای بنای معبد ستایش کردند. ۶۳ بعضی از کاهنان و روسای خاندانهای اجدادی، و پیرمردهایی که معبد قبلی خدا را دیده بودند، با صدای بلند شروع به گریه کرده و به درون بنای جدید معبد آمدند؛ ۶۴ در حالی که بسیاری از مردم نیز از روی شادی، اشک شوق ریخته و فریاد بلند سر داده بودند. ۶۵ جمعیت چنان در کرناها می‌دمیدند که صدای انعکاس آن تا دور دستها شنیده می‌شد؛ اما با اینحال مردم چنان با صدای بلند گریه می‌کردند که دیگران قادر به

شنیدن صدای کرناها نبودند.

۶۶ هنگامی که دشمنان قبیله یهودا و بنیامین این صداها را شنیدند، آمدند تا تحقیق کنند که صدای کرناها به چه منظور است. ۶۷ آنها متوجه شدند کسانی که از تبعید بازگشته بودند، در حال ساخت معبد برای خداوند خدای اسرائیل هستند. ۶۸ پس به نزد زروبابل، یشوع و رؤسای قوم آمده و به آنها گفتند: 'ما نیز با شما معبد را می‌سازیم. ۶۹ ما هم از خداوند شما همانطور پیروی می‌کنیم که شما پیروی می‌کنید و از زمان آسَرَحَدُون پادشاه آشور که ما را به اینجا آورده است، برای خدای اسرائیل قربانی گذرانیدیم.' ۷۰ اما زروبابل، یشوع و رؤسای قوم به آنها گفتند: 'شما نمی‌توانید هیچ دخالتی در ساخت خانه خداوند خدای ما داشته باشید، ۷۱ زیرا فقط ما آنرا برای خدای اسرائیل می‌سازیم، چنانچه کوروش، پادشاه پارس، به ما دستور داده است. ۷۲ اما سایر اقوامی که در این سرزمین زندگی می‌کردند بر مردم یهودا به سختی فشار می‌آوردند، وسایل آنها را خراب کرده و مانع بازسازی آنها می‌شدند. ۷۳ و با توطئه و عوام فریبی و ایجاد مشکل، تا زمانی که پادشاه کوروش سلطنت می‌کرد مانع از پایان کار بازسازی معبد شدند. تا اینکه آنها به مدت دو سال تا سلطنت داریوش از ساخت معبد دست کشیدند.

آغاز دوباره بنای معبد

۶ ۱ اینک در سال دوم سلطنت داریوش، دو نبی به نام حَجّی و زکریا پسر عَدُو برای یهودیانی که در یهودا و اورشلیم بودند به نام خداوند خدای اسرائیل نبوت کردند. ۲ سپس زروبابل پسر شَأَلْتِئِیل و یشوع پسر یوصاداق با کمک انبیای خداوند که در کنار آنها بودند، شروع به ساخت خانه خداوند در اورشلیم کردند.

۳ در همان زمان، تتنایی فرماندار سامره و فنیقیه، و شَتَرَبوزنای و نزدیکان آنها به نزد آنها آمدند و گفتند: ۴ 'به دستور چه کسی این خانه و این سقف را بنا می‌کنید و به بازسازی سایر موارد مشغول هستید؟ و چه کسانی سازنده این امور و به پایان رساننده آن هستند؟' ۵ اما بزرگان یهودی با مهربانی رفتار کردند، زیرا از حمایت پر از لطف خداوند بر تبعیدیها برخوردار بودند ۶ آنها نتوانستند از ساختن معبد ممانعت کنند تا زمانی که گزارشی برای داریوش ارسال شود و پاسخ آن دریافت گردد.

۷ نسخه‌ای از نامه‌ای که تتنایی فرماندار سامره و فنیقیه، و شَتَرَبوزنای و

همکاران آنها که از حاکمان محلی در سامره و فنیقیه بودند، برای داریوش نوشته و ارسال کردند:

۸ 'با درود به داریوش پادشاه؛ باشد که سرور ما پادشاه کاملاً مطلع باشند، وقتی به سرزمین یهودا رفتیم و وارد شهر اورشلیم شدیم، بزرگان یهود را دیدیم که قبلاً در تبعید بودند؛ ۹ و اینک در شهر اورشلیم یک معبد جدید و عظیم از سنگ تراشیده، و با چوبهای گران قیمت که در دیوارها کار گذاشته شده است برای خداوند می‌سازند. ۱۰ این عملیات به سرعت در حال انجام است و کار به دست آنها با موفقیت به انجام می‌رسد و با شکوه و مراقبت تمام بزودی تکمیل می‌شود. ۱۱ سپس از این بزرگان سؤال کردیم، 'شما به دستور چه کسی این خانه را بنا می‌کنید و پایه‌های آنرا می‌گذارید؟ ۱۲ بدین منظور که می‌خواستیم شما را به طور کتبی از فهرست نام رهبران آنها مطلع سازیم، از آنها سؤال کرده و فهرست اسامی کسانی را که در راس آنها هستند را از ایشان درخواست کردیم. ۱۳ آنها به ما پاسخ دادند، ما بندگان خداوند هستیم که زمین و آسمان را آفرید. ۱۴ این معبد سالها پیش توسط یکی از پادشاهان اسرائیل که عظیم و قدرتمند بود ساخته و تکمیل شد. ۱۵ اما وقتی نیاکان ما در برابر خدای اسرائیل که در آسمان است گناه کردند و خشم او را برانگیختند، او آنها را به دست نبوکدنصر پادشاه کلدانیان در بابل تسلیم کرد. ۱۶ آنها خانه را منهدم کرده و آنرا آتش زدند و مردم را مانند اسیران به بابل بردند. ۱۷ اما در اولین سالی که کوروش بر سرزمین بابل سلطنت کرد، کوروش پادشاه نوشت که این معبد باید بازسازی شود. ۱۸ و تمام ظروف مقدس طلا و نقره معبد را که نبوکدنصر از خانه خدا در اورشلیم غارت کرده و در معبد خود نگهداری می‌کرد، کوروش پادشاه دوباره آنها را از معبد بابل بیرون آورده و به زرو بابل و شیشبصر فرماندار داد. ۱۹ با این فرمان که باید همه این لوازم را باز گردانده و آنها را در معبد اورشلیم قرار دهند، و از اینرو معبد خداوند باید در مکان قبلی آن دوباره بازسازی شود. ۲۰ سپس این شیشبصر، پس از آمدن به اینجا، پایه‌های خانه خداوند را که در اورشلیم است احداث نمود؛ گرچه از آن زمان تا کنون در حال ساخت است، اما هنوز به اتمام نرسیده است. ۲۱ اکنون، اگر به نظر پادشاه درست می‌رسد، لطفاً بایگانی‌های سلطنتی موجود در بابل را جستجو کنید. ۲۲ اگر کشف شود که ساختمان خانه خداوند در اورشلیم با رضایت پادشاه کوروش انجام شده و چنانچه مورد تایید سرور ما پادشاه باشد، لطفاً ما را در این

موارد راهنمایی و مطلع سازید.

اجازه رسمی ساخت معبد

۲۳ سپس داریوش دستور داد که در بایگانی‌های سلطنتی که در بابل نگهداری می‌شد، جستجو صورت گیرد. و در قلعه‌ای در شهر اکباتان که در کشور ماد واقع شده بود، طوماری پیدا شد که در آن مواردی بر این اساس ثبت شده بود: ۲۴ 'کوروش پادشاه در اولین سال سلطنت خود، دستور ساخت خانه خداوند در اورشلیم را داد؛ جایی که آنها بر آتش دائمی قربانی می‌کنند. ۲۵ ارتفاع آن به شصت ذراع و عرض آن شصت ذراع، با سه لایه از سنگ تراشیده شده و یک لایه از چوب بومی نو باشد. هزینه ساخت آن نیز از خزانه کوروش پادشاه پرداخت می‌شود. ۲۶ و علاوه بر آن، تمام لوازم مقدس خانه خداوند، چه از طلا و نقره، که نبوکدنصر از معبد اورشلیم برداشته و به بابل برده است، باید به معبد خدا در اورشلیم بازگردد تا در همان مکانی که بوده است، قرار بگیرد.'

۲۷ بدینسان داریوش به تننایی فرماندار سامره و فنیقیه، و شَتَرَبوزنای و همکاران آنها که به عنوان حاکمان محلی در سامره و فنیقیه منصوب شده بودند، فرمان داد تا از محل دور شوند و اجازه دهند که زروبابل، خادم خداوند و فرماندار یهودا و بزرگان یهود، خانه خداوند را در همان محل قبلی خود بنا کنند. ۲۸ 'و من دستور می‌دهم که این مکان به طور کامل ساخته شود، و برای کمک به کسانی که از تبعید به یهودا بازگشته‌اند از هیچ گونه تلاشی دریغ نشود، تا زمانی که ساخت خانه خداوند کاملاً به اتمام برسد. ۲۹ و بخشی از مالیات سرزمین سامره و فنیقیه، به طور دقیق به این افراد داده شود، یعنی به زروبابل والی، تا هزینه گاو و قوچ و بره‌ای که برای خداوند قربانی می‌شود پرداخت گردد؛ ۳۰ و به همین ترتیب هزینه گندم و نمک و شراب و روغن، به طور منظم، و هر ساله بدون کم و کسر برای استفاده روزانه بر طبق درخواست کاهنان در اورشلیم پرداخت شود. ۳۱ تا امکاناتی فراهم شود که برای سلامتی شاه و فرزندان او در حضور خداوند متعال دعا شود.'

۳۲ وی دستور داد که اگر کسی از مواردی که در این نامه نوشته شده است تجاوز کند یا سعی در لغو آنها داشته باشد باید از تیر سقف خانه شخص خطاکار چوبه داری آماده و بر آن به دار کشیده شود، و تمام اموال او نیز به

خزانة پادشاه منتقل گردد.

۳۳ بدینسان باشد که خداوند که نام او در آنجا خوانده می‌شود، هر پادشاه و ملتی که دست خود را برای صدمه زدن یا ایجاد مانع در ساخت خانه خداوند در اورشلیم، دراز می‌کند، نابود بسازد.

۳۴ 'من، داریوش پادشاه، فرمان می‌دهم که تمامی این اوامر، همانطور که در اینجا مقرر شده است بدون تاخیر به انجام برسد.'

تقدیس معبد

۷ سپس تتنایی فرماندار سامره و فنیقیه، و شَنَرَبوزنای و همکاران آنها، از دستورات داریوش پادشاه پیروی کردند، ۲ بر انجام امور ساخت معبد مقدس با نظارت بسیار دقیق رسیدگی نمودند و به بزرگان یهود و روسای اصلی معبد نیز کمک کردند. ۳ کار ساخت معبد به سرعت پیش می‌رفت، درست همانطور که حَجّی و زکریا پیشگویی کرده بودند. ۴ و آنها سرانجام ساخت معبد را به فرمان خداوند خدای اسرائیل و با حمایت کوروش و داریوش و اردشیر، از پادشاهان پارس به پایان رساندند. ۵ معبد مقدس در بیست و سومین روز از ماه آدار،^۱ و در ششمین سال سلطنت داریوش پادشاه به پایان رسید. ۶ و قوم اسرائیل، کاهنان، لایوان و بقیه کسانی که از تبعید بازگشته بودند به آنها پیوستند، و مطابق با آنچه که در کتاب شریعت موسی نوشته شده است، عمل کردند. ۷ آنها به مناسبت تقدیس معبد خداوند صد گاو، دویست قوچ، چهارصد بره، ۸ و با توجه به تعداد دوازده تن از رهبران قبایل اسرائیل، دوازده بز نر برای گناه تمام قوم تقدیم کردند. ۹ کاهنان و لایوان بر طبق خاندان خود، لباس پوشیده و بر اساس کتاب موسی، برای خدمت به خداوند خدای اسرائیل در جاهای خود قرار گرفتند. و نگهبانان دروازه‌ها نیز بر در هر دروازه ایستادند.

عید پسح

۱۰ قوم اسرائیل که از تبعید بازگشته بودند؛ در روز چهاردهم اولین ماه سال، و پس از تطهیر تمام کاهنان و لایوان، عید پسح را برگزار کردند. ۱۱ تمام آنانی که از تبعید بازگشته بودند خود را تطهیر نکردند اما لایوان

۱ - ماه آدار مترادف با اواخر اسفند و اوایل فروردین است.

همه با هم تطهیر شدند. ۱۲ و آنها بره عید پسح را برای همه تبعیدیانی که باز گشته بودند و برای همکاران کاهن خود و خودشان قربانی کردند. ۱۳ تمامی قوم اسرائیل که از تبعید برگشته بودند، و همه کسانی که خود را از شرارتها و اعمال بد اقوام این سرزمین جدا کرده و به دنبال خداوند بودند، از قربانی پسح خوردند. ۱۴ آنها همچنین عید نان فطیر را به مدت هفت روز جشن گرفتند و در حضور خداوند شادمانی کردند. ۱۵ زیرا او نگرش پادشاه آشوریان را نسبت به آنها تغییر داده بود تا دست آنها را برای ساخت معبد و خدمت به خداوند خدای اسرائیل تقویت کند.

بازگشت عزرا به همراه تبعیدیان

۱ پس از این امور، هنگامی که اردشیر، پادشاه پارس شروع به سلطنت کرد؛ شخصی به نام عزرا پسر سرایا پسر عزریا پسر حلقیا، پسر شلوم، ۲ پسر صادوق پسر اخیطوب، پسر امریا پسر عزریا پسر بقی، پسر ابیشوع، پسر فینحاس، پسر العازار، پسر هارون کاهن اعظم، در بابل زندگی می‌کرد. ۳ عزرا به عنوان یک کاتب که در احکام شریعت موسی که توسط خدای اسرائیل به او داده شده بود، مهارت کامل داشت، از بابل عزیمت کرد. ۴ پادشاه به او احترام می‌گذاشت، چنانچه بابت تمام درخواستهای خود در نظر پادشاه التفات پیدا کرده بود. ۵ عده‌ای از مردم اسرائیل و برخی از کاهنان، لاویان، سرایندهگان معبد و نگهبانان دروازه و خدمتگزاران معبد، به همراه وی از بابل به اورشلیم آمدند، ۶ آنها در پنجمین ماه از سال هفتم سلطنت اردشیر پادشاه، که مترادف با اولین روز ماه نو از اولین ماه سال بود بابل را ترک کردند و با سفر امن و آسوده‌ای که خداوند به آنها داد، در اولین روز ماه نو از پنجمین ماه سال به اورشلیم رسیدند. ۷ از آنجا که عزرا از دانش بسیار خوبی برخوردار بود، هیچ چیزی را از احکام و فرامین خدا از یاد نبرد؛ از اینرو تمام فرایض و احکام خدا را به همه قوم اسرائیل تعلیم داد.

حکم پادشاه

۸ در زیر نسخه‌ای از فرمان مکتوب اردشیر پادشاه است که به عزرا کاهن و قرائت کننده احکام خداوند تحویل داده شده است:

۹ از اردشیر پادشاه به عزرا کاهن و قرائت کننده احکام خداوند، با درود.

۱۰ بر اساس سیاستهای خیر خواهانه خود، دستور داده‌ام در قلمرو ما تمامی

قوم یهود، از جمله کاهنان، لایوان و یا سایر افراد معمولی، می‌توانند آزادانه تصمیم بگیرند و در صورت تمایل، همراه شما به اورشلیم بروند. ۱۱ بگذارید هر تعداد افرادی که مایل به همراهی شما هستند، همانطور که من و هفت مشاور من توافق کردیم به شما پیوسته و اینجا را ترک کنند. ۱۲ برای بررسی امور جاری در یهودا و اورشلیم، مطابق با آنچه که در قانون و احکام خداوند است، عمل کنید. ۱۳ همچنین هدایایی را که من و دوستانم برای خداوند اسرائیل نذر کرده‌ایم با خود به اورشلیم ببرید همچنین می‌توانید تمام طلا و نقره‌ای را که ممکن است در کشور بابل یافت شود برای خداوند در اورشلیم جمع آوری کنید. ۱۴ و به همراه آنچه از طرف مردم برای معبد خداوندشان که در اورشلیم است، اعم از طلا و نقره برای هزینه گاوها، قوچها و بره‌ها و هر آن چیز دیگر داده می‌شود، ۱۵ تا در مذبح خداوند که در اورشلیم است قربانی کنند. ۱۶ هر کار دیگری که شما و یاران شما در نظر دارید با این طلا و نقره به عمل بیاورید، آنرا مطابق خواست خدای خود انجام دهید. ۱۷ لوازم مقدس خانه خداوند که برای استفاده در معبد اورشلیم است به شما تحویل داده می‌شود. ۱۸ و هر آن چیز دیگری که فکر می‌کنید ممکن است برای معبد خدای خود لازم داشته باشید، می‌توانید هزینه آن را از خزانه سلطنتی پرداخت کنید.

۱۹ من اردشیر پادشاه به خزانه داران سامره و فنیقیه دستور داده‌ام که هر آنچه عزرای کاهن و قرائت کننده احکام خدای متعال از ایشان درخواست کند با سعی تمام برایش تهیه کنند. ۲۰ و در حدود سه هزار و چهار صد کیلو نقره و به همین ترتیب ده هزار کیلو گندم، دو هزار لیتر شراب و هر اندازه که نمک لازم است برای عزرای کاهن بفرستند. ۲۱ بگذارید همه چیز برای خدای متعال با دقت فراوان و بر اساس شریعت او انجام شود، تا خشم خداوند شامل حال امپراتوری پادشاه و پسران او نشود. ۲۲ همچنین به شما اطلاع داده می‌شود که به هیچ یک از کاهنان، لایوان، سرایندگان معبد، نگهبانان دروازه، خادمان معبد یا افرادی که در معبد خداوند کار می‌کنند هیچ خراج یا مالیاتی تعلق نمی‌گیرد و کسی مجاز نیست که هیچ گونه مالیات دیگری بر آنها تحمیل کند.

۲۳ و تو ای عزرا، با توجه به حکمتی که خدا به تو داده است، قاضی‌ها و مامورانی را تعیین کنید تا در کل سامره و فنیقیه در مورد کسانی که شریعت خدای شما را می‌شناسند، داوری کنند؛ و شما نیز این احکام را به کسانی که

آنرا نمی‌شناسند تعلیم دهید. ۲۴ تمام کسانی که قانون خدای شما یا قانون پادشاهی را زیر پا می‌گذارند، شدیداً مجازات خواهند شد، خواه با مرگ و یا خواه با مجازات‌های دیگر از قبیل جزای نقدی و حبس.

نیایش عزرا

۲۵ سپس عزرای کاتب گفت: 'خداوند متبارک باشد که این امر را در قلب پادشاه گذاشت، تا خانه او را که در اورشلیم است، جلال دهد؛ و ۲۶ و اینکه مرا در نگاه شاه و مشاورانش و همه دوستان و مقامات کشورش، مورد احترام و توجه قرار داد. ۲۷ و من به یاری خداوند خدای خود مورد تشویق قرار گرفتم و افرادی را از قوم اسرائیل جمع کردم تا با من به اورشلیم بیایند.'

رهبران بازگشته از تبعید

۲۸ اینها رهبرانی هستند که بر طبق خاندانهای اجدادی و بر اساس گروه بندی طایفه خود، در زمان سلطنت اردشیر پادشاه با من از بابل به اورشلیم آمدند:

۲۹ از خاندان فینحاس، جرشوم؛ از خاندان ایتامار، دانیال؛ از خاندان داود، حطو پسر شکنیا. ۳۰ از خاندان فروش، زکریا که با او صد و پنجاه نفر از افراد ذکور ثبت نام کردند. ۳۱ از خاندان فحت موآب، الیهو عینای پسر زرحیا به همراه دویست نفر از ذکور. ۳۲ از خاندان زئو، شکنیا پسر یحزیئیل و به همراه او سیصد نفر از ذکور؛ از خاندان عادین، عابد پسر یوناتان و به همراه او دویست و پنجاه نفر از ذکور. ۳۳ از خاندان عیلام، اشعیا پسر عتلیا و به همراه او هفتاد نفر از ذکور. ۳۴ از خاندان شفطیا، زبدیا پسر میکائیل و به همراه او هفتاد نفر از ذکور. ۳۵ از خاندان یوآب، عوبدیا پسر یحئیل و به همراه او دویست و دوازده نفر از ذکور. ۳۶ از خاندان بانی، شلومیت پسر یوسفیا و به همراه او صد و شصت نفر از ذکور. ۳۷ از خاندان بابای، زکریا پسر بابای و به همراه او بیست و هشت نفر از ذکور. ۳۸ از خاندان عزجد، یوحانان پسر هقّاطان و به همراه او صد و ده نفر از ذکور. ۳۹ کسانی که دیرتر بابل را ترک کردند از خاندان ادونیقام بودند و نام آنها بر این اساس است: الیفلط، یعیئیل، شمعی و به همراه آنها هفتاد نفر از ذکور. ۴۰ و از خاندان بغوای، عوتای پسر استالکورس و به همراه او هفتاد نفر از ذکور. ۴۱ آنها را در کنار رودخانه‌ای بنام طیراس جمع کردم و سه روز در آنجا اردو

زدیم و آنها را مورد بررسی قرار دادیم. ۴۲ اما وقتی هیچ کسی را در بین آنها از خاندان کاهنان یا لایوان پیدا نکردم؛ ۴۳ از اینرو پیغامی برای الیعزر، عدوئیل، مسماس، ۴۴ الناتان، شمعیا، یاریب، ناتان، الناتان، زکریا و مشلام که از رهبران و فهیم بودند ارسال کردم. ۴۵ به آنها گفتم که به نزد عِدو بروند، که مقام مسئول در محل خزانه داری بود. ۴۶ و به آنها سفارش کردم که به عِدو و همکاران او در محل خزانه داری بگویند تا برای ما مردانی را بفرستند که بتوانند به عنوان کاهن در خانه خداوند ما خدمت کنند. ۴۷ و به دست قدرتمند خداوند ما، مردان شایسته‌ای را از خاندان محلی از نسل لاوی پسر اسرائیل برای ما فرستادند، یعنی شَرَبیّا، با پسران و خویشاوندان او، که هجده نفر می‌شدند. ۴۸ همچنین حشَبیا، آنونوس و برادرش جشعیّا، از خاندان حنائیه، و خانواده آنها، بیست نفر. ۴۹ و از خادمان معبد، که داوود و سایر رهبران برای خدمات به لایوان انتخاب کرده بودند، دویست و بیست نفر را برای ما فرستادند؛ که نام تمام آنها ثبت شده است.

روژه از طرف عزرا

۵۰ در آنجا من از مردان جوان خواستم تا در حضور خداوند روزه بگیرند، تا خداوند سفر ما را به همراه فرزندان و احتشامی که با ما بودند کامیاب بسازد. ۵۱ زیرا من خجالت می‌کشیدم که از پادشاه بخواهم سربازان پیاده و سواره نظام به همراه ما بفرستند تا ما را از دست دشمنان در امان نگه دارند. ۵۲ زیرا ما به پادشاه گفته بودیم: 'قدرت خداوند ما با کسانی خواهد بود که به دنبال او هستند و از آنها به هر طریقی حفاظت و حمایت می‌کند.' ۵۳ و سپس ما دوباره در حضور خداوند در مورد تمامی این امور دعا کردیم و او به رحمت خود، دعای ما را مستجاب فرمود.

هدایای معبد

۵۴ سپس دوازده تن از رهبران کاهنان، یعنی شَرَبیّا و حَشَبیّا و ده نفر از همکاران آنها را انتخاب کردم. ۵۵ و نقره و طلا و ظروف مقدس معبد خداوند را که خود شاه و مشاورانش و مقامات دربار و تمام مردم اسرائیل به آنها داده بودند برای ایشان وزن کردم. ۵۶ من بیست و دو تُن نقره، و سه هزار و چهارصد کیلو تجهیزات نقره، سه هزار و چهارصد کیلو طلا، ۵۷ و بیست کاسه طلایی و دوازده ظرف برنزی با کیفیت بسیار عالی که مثل

طلا می‌درخشید، وزن کرده و تقدیم آنها کردم. ۵۸ و من به آنها گفتم: 'شما برای خداوند مقدس هستید، و این ظروف هم مقدس هستند، و این طلا و نقره نیز نذر خداوند خدای اجداد ما شده است. ۵۹ مراقب باشید و از آنها حفاظت کنید تا زمانی که آنها را تحویل رهبران کاهنان و لایویان و سران خاندان اجدادی اسرائیل در خزانه معبد خداوند در اورشلیم دهید.' ۶۰ بدینسان کاهنان و لایویان، طلا، نقره، و ظروف و لوازمی را که باید به اورشلیم می‌رفت، تحویل گرفته و آنها را به سمت معبد خداوند حمل نمودند.

بازگشت به اورشلیم

۶۱ روز دوازدهم از اولین ماه سال، ما رودخانه طیراس را ترک کردیم. و با دست قدرتمند خداوند خود که بر ما بود، به اورشلیم رسیدیم. او ما را از هر دشمنی در راه رهایی داد چنانچه توانستیم به اورشلیم برسیم. ۶۲ وقتی سه روز از ورود ما در آنجا گذشته بود، نقره و طلا را به معبد خداوند برده و آنرا وزن کرده و تحویل مریموت پسر اوریای کاهن دادیم. ۶۳ العازار پسر فینحاس و دو لایوی به نامهای یوزاباد پسر یشوع، و موعس پسر بنوی نیز در آنجا با او بودند. ۶۴ تمامی چیزها شمارش و وزن شد و وزن همه چیز نیز در همان زمان ثبت شد. ۶۵ و کسانی که از تبعید بازگشته بودند، قربانیهایی را به خداوند، خدای اسرائیل تقدیم کردند، که شامل دوازده گاو برای تمام اسرائیل، نود و شش قوچ، ۶۶ هفتاد و دو بره و دوازده بز نیز به عنوان شکرگزاری می‌شد، که همه به عنوان قربانی به خداوند اهدا شد. ۶۷ آنها دستورات پادشاه را به مباشر سلطنتی و فرمانداران قلمرو سامره و فنقیه تحویل دادند. و قوم و معبد خداوند توسط این مقامات مورد تجلیل قرار گرفت.

ازدواج با بیگانگان

۶۸ پس از انجام این کارها، رهبران قوم نزد من آمدند و گفتند: ۶۹ 'قوم اسرائیل، فرمانروایان، کاهنان و لایویان خود را از اقوام بیگانه این سرزمین جدا نکرده‌اند و همچنان از اعمال نادرست کنعانی‌ها، حیتی‌ها، فرزی‌ها، یبوسی‌ها، عمونی‌ها، موآبی‌ها، مصری‌ها و ادومیان پیروی می‌کنند. ۷۰ زیرا آنها و یا پسران آنها با دختران این اقوام ازدواج کرده‌اند و نژاد مقدس ما با مردمان بیگانه این سرزمین درهم آمیخته است. و از ابتدای این امر،

رهبران و سران قوم در این شرارت سهیم بودند.

دعای عزرا

۷۱ به محض اینکه این چیزها را شنیدم، ردا و جامه مقدس خود را پاره کردم و موی سر و ریش خود را کندم و افسرده و غمگین نشستم. ۷۲ و همانطور که من بخاطر یک چنین فاجعه و شرارتی سوگواری می‌کردم، همه کسانی که نسبت به کلام خداوند غیرت داشتند،^۱ اطراف من جمع شدند؛ و من ماتم زده تا هنگام مراسم قربانی عصر در آنجا نشستم. ۷۳ سپس با ردا و جامه مقدس پاره شده از روزه خود برخاستم، و زانو زده و دستانم را به طرف خداوند بلند کرده و ۷۴ گفتم:

‘خداوند، من شرم‌زده هستم و از خجالت نمی‌توانم سر خود در حضور تو بلند کنم. ۷۵ زیرا گناهان ما از سر ما فراتر رفته است و اشتباهات ما از زمان نیاکان ما سر به آسمان کشیده است؛ ۷۶ و امروز گناهان ما از آنچه که تصور می‌کردیم بزرگتر است. ۷۷ به دلیل گناهان ما و گناهان نیاکان ما، با اقوام و پادشاهان و کاهنان خود تا به امروز با شمشیر و تبعید و غارت به دست پادشاهان زمین سپرده شده‌ایم. ۷۸ و اکنون ای خداوند به یقین رحمتی از سوی تو بر ما نازل شده، که به ما امکان دادی تا بتوانیم نام اسرائیل را در مکان مقدس تو برافرازیم، ۷۹ و نوری را در معبد خداوند خدای خود بر ما مکشوف ساختی و ما را در زمان اسارت گرسنه رها نکردی. ۸۰ حتی در زمان تبعید و اسارت نیز خداوند ما را ترک نکرد، بلکه ما را مورد توجه و التفات پادشاهان پارس قرار داد، به طوری که آنها ما را تغذیه کردند. ۸۱ و معبد خداوند ما را جلال داده و صهیون را از ویرانی بیرون آوردند؛ تا به ما یک قلعه مستحکم در یهودا و اورشلیم بدهند.

۸۲ و حال ای خداوند، با داشتن یک چنین چیزهایی، دیگر چه باید بگوییم؟ زیرا ما از دستورات تو که توسط انبیای خدمتگزار خود به ما دادی، سرپیچی کردیم؛ تو فرمودی: ۸۳ سرزمینی که برای تصرف در اختیار شما قرار داده‌ام سرزمین آلوده‌ای است که از نجاسات اقوام بیگانه این سرزمین پر شده است. ۸۴ بنابراین دختران خود را برای ازدواج در اختیار آنها قرار

۱ - در برخی نسخه‌ها نوشته شده است: ‘همه کسانی که از کلام خداوند اسرائیل برانگیخته می‌شدند.’

ندهید و دخترانشان را برای پسران خود به همسری نگیرید. ۸۵ هرگز به دنبال برقراری صلح و آرامش با آنها نباشید، تا بتوانید نیرومند باقی مانده و از چیزهای خوب این سرزمین بخورید و آنرا برای همیشه به میراث برای فرزندانمان باقی بگذارید. ۸۶ و همه اتفاقاتی که برای ما افتاده است بخاطر اعمال بد و گناهان بزرگ ما بوده است. با اینحال ای خداوند تو ما را بر اساس سنگینی گناهان ما مجازات نکردی. ۸۷ بلکه ما را رهایی دادی. اما ما دوباره به عقب برگشته‌ایم و با اقوام ناپاک این سرزمین وصلت کرده و احکام تو را زیر پا گذاشتیم. ۸۸ آیا این به اندازه کافی خشم تو را جاری نمی‌سازد که ما را کاملاً نابود کرده، چنانچه دیگر نامی از ما باقی نماند؟ ۸۹ اما ای خداوند خدای اسرائیل، تو وفادار هستی، چنانچه تا امروز تعدادی از ما باقی مانده‌ایم. ۹۰ نگاه کن و ببین که اکنون ما در حضور تو با شرارت خود ایستاده و به ان اعتراف می‌کنیم؛ هر چند که به دلیل این چیزها، دیگر شایسته این نیستیم که در حضور تو بایستیم؛

۹۱ عزرا در حالی که مشغول دعا و اعتراف خود بود، و همچنان در مقابل معبد بر روی زمین افتاده و گریه می‌کرد؛ جمعیت بسیار زیادی از زنان و مردان و جوانان اورشلیم در دور او جمع شده و بسیاری از آنها با صدای بلند گریه می‌کردند. ۹۲ سپس شَکْنِیا پسر یحئیل که یکی از مردان اسرائیل بود با صدای بلند به عَزْرَا گفت: 'ما بر علیه خداوند گناه کرده و با زنان بیگانه سایر اقوام این سرزمین، ازدواج کرده‌ایم. اما حتی با این وجود نیز امیدی برای اسرائیل وجود دارد. ۹۳ بیایید با هم در حضور خداوند سوگند یاد کنیم که همه همسران بیگانه خود را به همراه فرزندانمان از خود دور کنیم؛ ۹۴ اگر این امر به نظر تو و همه کسانی که از شریعت خداوند پیروی می‌کنند خوب است. ۹۵ برخیز و اقدام کن، زیرا این وظیفه توست، و ما نیز با تو هستیم تا با عزم و اراده محکم عمل کنیم.' ۹۶ سپس عزرا برخاست و سران کاهنان و لایوان تمام قوم اسرائیل را سوگند داد که همانطور که گفته شد آنها این کار را انجام دهند؛ و آنها نیز سوگند یاد کردند.

بیرون راندن همسران بیگانه

۹ پس عزرا عازم شد و از محوطه معبد به حجره یهوحانان پسر الیاشیب رفت ۲ و شب را در آنجا گذراند؛ ولی نان نخورد و آب ننوشید، زیرا برای گناهان عظیم قشر بزرگی از قوم سوگوار بود. ۳ و در تمام یهودا و

اورشليم اطلاعيه داده شد تا همه کسانی که از تبعيد بازگشته بودند در اورشليم جمع شوند. ۴ و چنانچه اگر کسی در طی دو یا سه روز در آنجا حضور پیدا نکند، مطابق با تصميم سران قوم، دامهای آنها برای قربانی شدن مصادره و خود آنها نیز از میان کسانی که از تبعيد آمده بودند طرد خواهند شد.

۵ سپس مردان قبیله يهودا و بنيامين در مدت سه روز در اورشليم گرد هم آمدند. اين رویداد در بيستمین روز از نهمین سال ماه واقع شد. ۶ همه مردم در میدان جلوی معبد نشسته بودند و به دليل هوای بدی که حاکم بود می‌لرزیدند. ۷ سپس عزرا ایستاد و به آنها گفت: 'شما قانون خدا را شکسته و با زنان بیگانه ازدواج کرده‌اید و به گناهان اسرئیل نیز افزوده‌اید. ۸ اکنون اعتراف کنید و خداوند خدای نیاکان ما را جلال دهید؛ ۹ و خواست او را به انجام رسانده و خود را از سایر مردمان اين سرزمین و از همسران بیگانه جدا کنید.'

۱۰ سپس تمام جمعیت فریاد زدند و با صدای بلند گفتند: 'ما همانطور که شما گفتید، عمل خواهیم کرد. ۱۱ اما تعداد جمعیت بسیار زیاد و ایام زمستان است و ما قادر به ایستادن در این هوای سرد نیستیم. اين کاری نیست که بتوانیم در طی یک یا دو روز انجام دهیم، زیرا ما در این موارد بسیار گناه کرده‌ایم. ۱۲ بنابراین بگذارید سران جمعیت بمانند و تمام کسانی که در شهرهای ما دارای همسران بیگانه هستند، در یک موعد مقرر، ۱۳ با بزرگان و داوران محل خود بیايند، تا اینکه ما از غضب خداوند نسبت به اين موارد رهایی یابیم.'

۱۴ از اينرو يوناتان پسر عسائیل و یحزیا پسر تَفَوَه اين امر را بر اساس شرایط تعيين شده به عهده گرفتند؛ و مِشَلَّام، لاوی، و شِئْتَائِي نیز آنها را به عنوان قاضی کمک نمودند. ۱۵ و کسانی که از تبعيد بازگشته بودند مطابق با همه اينها عمل کردند.

۱۶ خود عَزْرَای کاهن نیز برخی از رؤسای قوم را بر اساس خاندانهای اجدادی آنها انتخاب کرد و نام همه آنها ثبت گردید. و در اول ماه نو از دهمین ماه سال، آنها جلسات خود را برای بررسی موضوع آغاز کردند. ۱۷ و موارد رسیدگی به پرونده مردانی که همسران بیگانه داشتند در اول ماه از اولین ماه سال به پایان رسید.

۱۸ فهرست کاهنانی که معلوم شد با زنان بیگانه ازدواج کرده اند:

۱۹ از خاندان یثوع پسر یوصاداق و برادرانش مَعْسُیَا، آلِیَعَزْر، یاریب، و

جَدَلْیَا. ۲۰ آنها خود را متعهد کردند که همسران خود را کنار بگذارند و برای جبران تقصیرات خود، قوچی برای قربانی تقدیم کردند. ۲۱ و از خاندان اِمیر، حَنانی، رَبْدِیَا، مَعَسْیَا، شَمْعِیَا، یَحِئِیل، و عَزْرِیَا. ۲۲ و از خاندان فَشْخُور، اَلِیوَعِینای، مَعَسْیَا، اِسمعیل، نَتْنائیل، جَدَلْیَا، و اَلْعَاسَه.

۲۳ از طایفه لایوان: یوزاباد، شِمعی، و قَلایا که همان قَلِیْطَا است؛ همچنین فَتْحِیَا، یهودا، و یونس. ۲۴ از سرایندگان معبد: اَلْیَاشِیب، و زکور. ۲۵ از نگهبانان دروازه: شَلُوم، و طَالم.

۲۶ از اسرائیلیان: خاندان فَرْعُوش: رَمِیَا، یَزِیَا، مَلْکیَا، مِیامین، اَلْعَازار، مَلْکیَا، و بَنایَا. ۲۷ خاندان عیلام: مَتْنِیَا، زَکریَا، یَحِئِیل، عَبْدِی، یریموت، و ایلْیَا. ۲۸ خاندان رَتُو: اَلِیوَعِینای، اَلْیَاشِیب، مَتْنِیَا، یریموت، زاباد، و زردایَا. ۲۹ خاندان بابای: یَهُوحانان، حَنَنْیَا، رَبْای، و عمادیس. ۳۰ خاندان مانی، مَشْلَام، مَلُوک، عَدایَا، یاشوب، شَال، و راموت. ۳۱ خاندان عدی: ناتوس، موزیس، لاکونوس، ناپیدوس، معسیا، سشتل، بئوی، و مَنَسِی. ۳۲ خاندان عنان: اَلِیَعَزَّر، اِشْیَا، مَلْکیَا، شَمْعِیَا، و شِمْعُون. ۳۳ خاندان حاشوم: مَتْنای، مَتَّاه، زاباد، اَلْفَلْط، مَنَسِی، و شِمعی. ۳۴ خاندان بانِی: یریمای، مَعْدای، عَمْرَم، اوئیل، بَنایَا، بیدِیَا، و نُئیَا، یریموت، اَلْیَاشِیب، مَکَنْدَبای، یَعْسُو، بئوی، الیالیس، شِمعی، و شَلْمِیَا، و ناتان؛ از خاندان عزورا: شاشای، عَزْرئیل، عزائیل، شَمَزِیَا، اَمَزِیَا، و یوسف. ۳۵ و از خاندان نَبُو: مَتْنِیَا، زاباد، یَدُو، یوئیل، و بَنایَا. ۳۶ همه این افراد با زنهای بیگانه ازدواج کرده بودند و آنها را به همراه فرزندانِشان از خود جدا ساختند.

قرائت شریعت توسط عزرا

۳۷ کاهنان، لایوان و مردم اسرائیل در اورشلیم و حومه شهرها مستقر شدند. در آغاز ماه نو از هفتمین ماه سال، هنگامی که قوم اسرائیل در خانه‌های خود ساکن بودند، ۳۸ جمعیت عظیمی در میدان مقابل دروازه شرقی معبد جمع شدند. ۳۹ آنها به عزرا کاهن اعظم و قرائت کننده کتاب شریعت گفتند که کتاب موسی را که خداوند خدای اسرائیل به او داده بود، با خود بیاورد. ۴۰ از اینرو عزرا، کاهن اعظم، در آغاز ماه نو از هفتمین ماه سال در مقابل کل جمعیت، از زن و مرد و تمام کاهنانی که می‌توانستند بشنوند و بفهمند، کتاب شریعت موسی را برای قرائت بیرون آورد. ۴۱ او در میدان مقابل دروازه معبد از صبح زود تا ظهر، کتاب شریعت را در حضور زن و مرد با

صدای بلند قرائت کرد. و همه مردم به قوانین شریعت کاملاً توجه کردند. ۴۲ عزرا کاهن و قرائت کننده شریعت، بر روی سکوی چوبی که از قبل آماده شده بود ایستاد. ۴۳ و در کنار او در سمت راست، مَتَّیّا، شَمْع، عَنایا، عَزْرِیا، اُوریا، جَلْقِیا، و مَعَسْیا ایستاده بودند. ۴۴ و در سمت چپ او فدایا، میشائیل، مَلْکیا، حاشوم، حَشَبَدَّانَه، و زَکریا قرار داشتند. ۴۵ سپس عزرا کتاب شریعت را در مقابل جمعیت گرفت، زیرا او در حضور همه از جایگاه احترام برخوردار بود. ۴۶ وقتی او کتاب شریعت را باز کرد، همه ایستاده بودند. و عزرا خداوند خدای متعال، خدای لشکرهای آسمان، و خداوند قادر مطلق را متبارک خواند؛ ۴۷ و جمعیت یک صدا پاسخ دادند: 'آمین'. آنها دستهای خود را بالا بردند و به زمین افتاده و خداوند را ستایش کردند. ۴۸ یَشُوع، بانی، شَرَبْیا، یامین، عَقُوب، شِئَتای، هُودیا، مَعَسْیا، قَلِیْطّا، عَزْرِیا، یوزاباد، حنان، و فلایا، که از لاویان بودند، شریعت خداوند را تعلیم داده و همزمان هر آنچه را که خوانده شده بود تفسیر می‌کردند.

۴۹ سپس نحمیا^۱ به عزرای کاهن و قرائت کننده تورات، و به لاویان که در حال تعلیم جمعیت بودند و به همه حاضرین گفت: ۵۰: 'این روز برای خداوند مقدس است، پس گریه نکید؛ زیرا آنها از شنیدن کلام شریعت به گریه افتاده بودند. ۵۱ 'پس رفته غذای غنی و کامل بخورید و چیزهای شیرین بنوشید و بخشی از آنرا نیز به کسانی بدهید، که چیزی برای خوردن ندارند. ۵۲ زیرا امروز برای خداوند مقدس است؛ پس ناراحت و غمگین نباشید، زیرا خداوند شما را عزت و شکوه می‌بخشد.' ۵۳ لاویان به همه مردم دستور دادند که یک صدا بگویند: 'این روز مقدس است؛ پس محزون نباشید.' ۵۴ سپس همه آنها به راه خود ادامه داده و به خوردن و نوشیدن و لذت بردن پرداختند و بخشی از آنرا نیز به کسانی بخشیدند که هیچ چیزی نداشتند؛ و شادی عظیمی همه را فرا گرفته بود. ۵۵ زیرا آنها از کلامی که آموخته بودند الهام گرفته و همه در کنار هم جمع شده بودند.

۱ - در برخی نسخه‌ها 'تِرْشاتا' یا 'آتراتس' نیز نامیده شده است.